سی‌ویکمین همایش بانکداری اسلامی: بانکداری اسلامی با نگاهی به بیانیه گام دوم انقلاب
۹ و ۱۰ شهریور ماه ۱۴۰۰، صص. ۱۶۵-۱۹۹

تغییر در اصول موضوعه، شرط لازم برای تدوین قانون بانکداری جمهوری اسلامی ایران

اکبر کشاورزیان پیوستی[۱]

چکیده

همه اندیشمندان اقتصاد ایران به اهمیت نظام بانکی به‌دلیل بر دوش‌کشیدن بخش اعظم نظام تأمین مالی و سرمایه‌گذاری کشور و اثرگذاری بر مهمترین متغیرهای اقتصاد کلان نظیر تولید ناخالص داخلی، نقدینگی، تورم، بیکاری، نابرابری و... اتفاق نظر دارند. بر این اساس، تحول نظام بانکی یکی از اولویت‌های اساسی نظام تصمیم‌گیری کشور است. طراحی سازه نظام بانکی کارآمد مستلزم پایه‌ریزی مستحکم و درک واقعیت‌های عقلانی و اخلاقی محیط کسب و کار و فضای اقتصاد کلان و بین‌الملل است که در نظام‌سازی از آن به‌عنوان پیش‌فرض‌ها و اصول موضوعه یاد می‌شود. هدف اصلی این مقاله استخراج اصول موضوعه منطقی برای بنانهادن بانکداری کارا جهت کمک به اقتصاد حقیقی است. برای تحقق این هدف، از روش مطالعه اسنادی، تحلیل محتوا و بازخورد تجربه اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا در چهار دهه در شبکه بانکی کشور بهره‌برداری‌شده و ضمن به چالش‌کشیدن پیش‌فرض‌های فعلی حاکم، اصول موضوعه جدید برای اصلاح قانون بانکداری کشور استخراج‌شده که عبارتند از: تحقق بانکداری بدون ربا مستلزم نظام‌سازی در سطح محلی، ملی و بین‌المللی است؛ بهره (طبیعی) با ربا متفاوت است و با توجه به نرخ تورم، ارزش زمانی دارایی و کارمزد تعیین می‌شود؛ روح شریعت با نظام مالی و بانکی سالم و کارآمد سازگاری دارد؛ رابطه حقوقی بانک و مشتری در بانکداری متعارف، قرارداد قرض نیست؛ یکی از معیارهای اصلی بانکداری بدون ربا، تأکید بر پیوند اقتصاد حقیقی و مالی است؛ قراردادهای بانکی بر مبنای عقلانیت و اخلاق، کارایی بیشتری در بانکداری بدون ربا دارد.

واژه‌های کلیدی: قانون بانکداری، اصول موضوعه، عملیات بانکی، عقلانیت، اخلاق

JEL: E58

---

[۱] نایب رئیس هیئت‌مدیره پست بانک ایران (نویسنده مسئول)؛ peyvasti@gmail.com

مقدمه

برپایی، پویایی و پایداری هر نظام مالی و اقتصادی مستلزم وجود منطق و مبانی عقلانی مستدل و عملکرد آن بر مبنای صداقت، عدالت و انصاف مستلزم وجود مبانی اخلاق است. انواع نظام‌های مالی و اقتصادی با محوریت این اصل بنیادی در نظام‌سازی و بر اساس مکاتب مختلف فکری و اعتقادی به وجودآمده و به حیات خود ادامه می‌دهند. تجربه نظام‌های مختلف اقتصادی حکایت از این واقعیت مهم دارد که اگر هر نظامی خود را با عقل و خردِ روز، تعدیل نکند و بکوشد مشکلات و پدیده‌های به‌روز را با عقل و خرد قبلی مرتفع سازد (که خود موجب ایجاد مشکل شده است)، محکوم به شکست است. این موضوع در نظام‌سازی بانکی نیز صادق بوده و باید در قانون‌گذاری، اجرا و نظارت بانکداری کشور از پیش‌فرض‌ها و مبانی عقلانی و اخلاقی استفاده کرد که برگرفته از مکتب اقتصادی اسلام است.

برخی مطالعات نشان می‌دهد که در تدوین (و اخیراً) در اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا، تنها به مبانی محدود شریعت تکیه شده و به عقلانیت و اخلاق که پایه اصلی در استقرار عناصر به‌هم پیوسته نظام بانکی برای رسیدن به اهداف اقتصادی است (همانا حمایت از اقتصاد حقیقی)، توجه کافی نمی‌شود. این چالش زمانی پررنگ می‌شود که بازار کسب و کار و نظام اقتصادی کشور بر پایه عقلانیت پایه‌گذاری شده و به‌طور طبیعی، نهادهای فاقد عقلانیت اقتصادی و مالی باعث ایجاد تناقض در نظام اقتصادی شده و از بازار کنار گذاشته می‌شود. این امر در بانکداری کشور به وجودآمده و تنها انحصار قانونی ایجاد شده باعث بقای این نظام بوده و برای این‌که مانع کسب و کار نشود، عملیات آن به‌صورت صوری و با ماهیت بانکداری متعارف انجام می‌شود. بنابراین، تدوین قانون بانکداری بر مبنای عقل و اخلاق، گام نخست برای نهادینه‌کردن شریعت در نظام بانکی کشور است. این مقاله با مطرح‌کردن پیشینه تحقیق، مبانی نظری و روش‌شناسی در سه سطح نظام‌سازی بانکداری، فلسفه وجودی بانکداری و مبانی نظری بانکداری به استخراج اصول موضوعه عقلانی و اخلاقی برای اصلاح قانون عملیات بانکی می‌پردازد.

پیشینه تحقیق

بررسی اسنادی مطالعات انجام‌شده در زمینه پیش‌فرض‌های قانون بانکداری بدون ربا حکایت از فقدان پژوهش‌های منسجم و علمی دارد. گرچه برخی از مطالعات به‌صورت غیرمستقیم به نقد اصول موضوعه حاکم بر بانکداری کشور از جنبه‌های مختلف پرداخته‌اند. در این بخش، ابتدا مروری بر طرح

مجلس و لایحه دولت (بانک مرکزی) برای اصلاح قانون عملیات بانکی، اشاره موضوعی شده و سپس، مطالعات محدود انجام‌شده ارائه می‌شود که با موضوع مقاله قرابت بیشتری دارد.

طرح مجلس با عنوان «طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران»: در این طرح هیچ‌یک از پیش‌فرض‌ها یا اصول موضوعه قانون عملیات بانکی بدون ربا (مصوب ۱۳۶۲) تغییر نکرده است. در حالت کلی، طرح ارائه شده تفاوت مبنایی با قانون فعلی نداشته و تنها در برخی موارد، قوانین فعلی تجمیع‌شده و در برخی موارد، دستورالعمل‌های جدید بانک مرکزی به آن اضافه شده است. طرح ارائه‌شده با مبانی عقلانی و اخلاقی حاکم بر کسب و کار کشور سازگار نبوده و چالش‌های موجود بانکداری کشور را مرتفع نخواهد کرد. این طرح در مردادماه ۱۳۹۵ به مجلس ارائه شده ولی تا به حال تصویب نشده است.

لوایح دولت با عنوان «قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» و «قانون بانکداری»: در این لوایح سعی شده مشکل قانونی در بانکداری کشور مبنی بر ارجاع موضوعات نظام بانکی به قانون پولی و بانکی (مصوب ۱۳۵۱) مرتفع شود. بر این اساس، قانون بانکداری؛ یعنی نحوه انجام‌دادن عملیات بانکی با قانون بانک مرکزی، تفکیک شده است. این لوایح که در مرداد ماه ۱۳۹۵ تنظیم شده، بر مبنای پیش‌فرض‌های حاکم بر قانون عملیات بانکی بدون ربا تدوین‌شده و از مبانی عقلانی حاکم بر بازار و کسب و کار تبعیت نمی‌کند.

فرزین‌وش و نَدری (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با عنوان «ربا، بهره قراردادی و بهره طبیعی (نقد مفهوم بهره در نظریات اقتصادی متفکرین مسلمان)» به بررسی موضوع ربا و بهره در نظام اقتصادی می‌پردازند. در این مقاله به‌صورت غیرمستقیم، پیش‌فرض یکسان تلقی‌کردن بهره با ربا در نظام بانکی کشور مورد بحث و بررسی قرارگرفته و به‌نوعی نقد شده است. در این مطالعه به تمرکز متفکرین مسلمان به بهره قراردادی و مباحث پولی، نه سرمایه‌ای، پرداخته‌شده و از این منظر، ربا با بهره مساوی قلمداد می‌شود. چنانچه تأکید بر بهره طبیعی و مفهوم سرمایه باشد، مباحث شریعت در مورد ربا ممکن است، متفاوت باشد. در این مقاله نشان داده می‌شود که ماهیت درآمدی سرمایه که از آن به‌عنوان سود یاد می‌شود، وابستگی زیادی با ماهیت بهره طبیعی دارد.

عبدالغفور (۱۳۸۴)، در مطالعه‌ای با عنوان «بانکداری بدون ربا ممکن است، ولی بدون هزینه ممکن نیست»، بر اساس فلسفه وجودی بانکداری و مباحث اقتصادی، تولیدی، پولی و ... بهره بانکی را به اجزای جداگانه تقسیم می‌کند. تنها یکی از اجزای بهره، مصداق ربا پیدا می‌کند و اجزای دیگر، عاری از ربا هستند و مربوط به هزینه‌های عملیاتی و خدماتی بانک می‌شوند. این اجزا عبارتند از: بهره

پرداخت شده به سپرده‌گذار (هزینه استقراض)، هزینه سربار، هزینه خدمات، هزینه قبول مخاطره، سود بانکی و جبران ارزش ازدست‌رفته پول به‌خاطر تورم. در این مطالعه، فقط هزینه استقراض مورد قبول بانکداری اسلامی قرار نمی‌گیرد و بانک بدون ربا می‌تواند سایر هزینه‌های بهره‌ای را دریافت کند. این موضوع در پیش‌فرض قانون عملیات بانکی بدون ربا مورد پذیرش نیست.

کشاورزیان (۱۳۹۶)، در رساله دکتری با عنوان «طراحی مدل بانکداری بدون ربا بر مبنای عقلانیت و اخلاق» به بررسی بانکداری کشور از منظر قانون‌گذاری، اجرا و نظارت پرداخته و با تجزیه و تحلیل بانک بدون ربا، به طراحی بانک بدون ربا بر مبنای عقلانیت و اخلاق اقدام می‌کند. در طراحی این نوع بانکداری، اصول موضوعه و پیش‌فرض‌های قانون عملیات بانکی بدون ربا مورد نقد و بررسی قرارگرفته و اصول موضوعه جدیدی پیشنهاد شده است. این مطالعه بیشترین قرابت را با مقاله حاضر دارد. در مقاله حاضر، اصول موضوعه در سطح نظام‌سازی و فلسفه وجودی بانک‌ها به پیش‌فرض‌های رساله اضافه شده و اعتقاد بر این است که اگر این پیش‌فرض‌های عقلانی و اخلاقی در تدوین قانون جدید لحاظ و نهادینه نشود، تغییر اساسی در کارایی نظام بانکی حاصل نخواهد شد.

مبانی نظری و روش‌شناسی

مقاله حاضر از لحاظ نوع، توسعه‌ای بوده و از منظر روش، توصیفی، تحلیل محتوا و مطالعه اسنادی است. در هریک از اصول موضوعه مطرح شده، ابتدا مبانی نظری مورد بررسی قرار می‌گیرد و با روش تحلیلی توصیفی، الزام استفاده از این اصول موضوعه بیان می‌شود. در این مقاله، از منظر اقتصاد شناختی[1]، عقلانیت رویه‌ای[2] (روشی) تأکید می‌شود. عقلانیت رویه‌ای با رویکرد محدود به عقلانیت به بررسی، تبیین و تجزیه و تحلیل فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری می‌پردازد. اخلاق مورد نظر این مقاله که مکمل عقلانیت است، به موضوع بانکداری به‌صورت پایه‌ای می‌نگرد. در تجزیه و تحلیل فرایندهای مختلف تصمیم‌گیری، با حضور اخلاق در کنار عقلانیت، نتایج تحلیل به نهادینه شدن عدالت، نظم، صداقت و... منجرشده و بر این اساس، اصول موضوعه ارائه‌شده، عقلانی و اخلاقی خواهد بود.

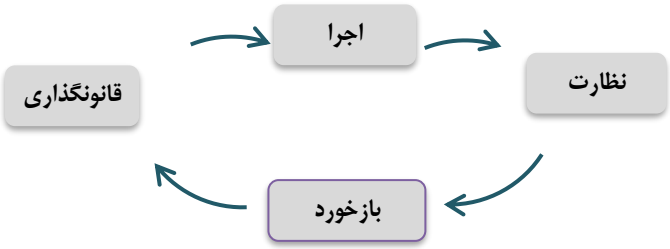
اگر در تدوین قانون، مسیر علمی طی نشود و پیش‌فرض‌های آن فاقد مبانی عقلانی و اخلاقی باشد، قوانین و مقررات در موعد اجرا با موفقیت همراه نخواهند بود. روش‌های مختلفی برای اخذ

[1] Cognitive Economics
[2] Procedural Rationality

بازخورد از نظام تصیم‌سازی و تصمیم‌گیری در سیستم وجود دارد که در این قسمت به متعارف‌ترین و کلی‌ترین فرایند اشاره می‌شود که شمای کلی آن در شکل شماره (۱) نشان داده شده است. این الگوی کلی و بنیادی، روش کار و نحوه تجزیه و تحلیل نظام بانکی را توضیح‌داده و گام اساسی در جهت ارتقای سطح نظام بانکی بدون ربا بعد از سه دهه اجرای قانون عملیات بانکی بدون رباست. (از سال ۱۳۶۲) تجزیه و تحلیل نظام بانکی براساس **بازخورد** اخذ شده از فرایند قانون‌گذاری، اجرا و نظارت بوده و بر ریشه‌های مشکلات نظام بانکی یعنی بر اصول موضوعه حاکم بر این سیستم می‌پردازد.

پیش‌فرض‌ها و اصول موضوعه، مجموعه مفروضاتی هستند که زیرساخت اصلی و اولیه نظریه اقتصادی را فراهم می‌کنند و دارای ویژگی‌های سازگاری، کامل‌بودن و صرفه‌جویی هستند.[۱] برای طراحی چهارچوب بانکداری بدون ربای مطلوب و پویا، تعریف یک‌سری اصول موضوعه الزامی است. در این قسمت، به برخی موضوعات مهم و قابل‌توجه در بانکداری اسلامی و متعارف اشاره می‌شود تا جنبه‌های پنهان این موضوع روشن‌شده و اصول[۲] یا فروض یا اصول موضوعه استخراج شود.

شکل شماره ۱: فرایند کلی بهبود مستمر در نظام تصمیم‌گیری



منبع: اکبر کشاورزیان پیوست، طراحی بانکداری بدون ربا بر مبنای عقلانیت و اخلاق، ۱۳۹۶، صفحه ۹.

اصول موضوعه عقلانی و اخلاقی در نظام‌سازی بانکداری بدون ربا

در تدوین و تصویب نام قانون «عملیات بانکی بدون ربا»، با دانش و هوشمندی خاصی، از واژه بانکداری استفاده نشده است. با مطالعه عمیق این قانون، مشخص می‌شود که مفاد آن صرفاً برای انجام‌دادن عملیات در بانک بدون ربا (رابطه حقوقی بانک– مشتری) تنظیم شده است و سایر عناصر نظام بانکی نظیر رابطه بانک بدون ربا با بانک مرکزی و سایر نهادهای مالی و غیرمالی ملی و

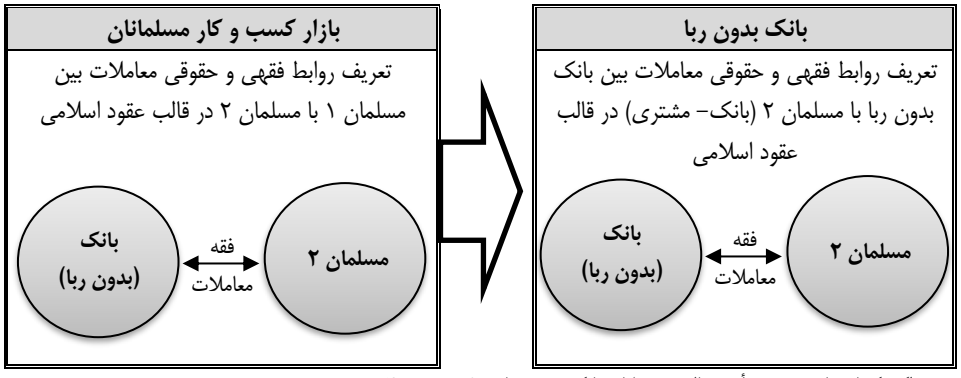
[۱] یداله دادگر، ***درآمدی بر روش‌شناسی علم اقتصاد***، تهران: نشر نی، چاپ سوم، ۱۳۸۶، ص‌ص. ۳۷–۳۵

[2] Axioms

بین‌المللی و ... مشخص نشده است. به بیان دیگر، قانون عملیات بانکی بدون ربا ادعای ارائه یک سیستم بانکداری بدون ربا را ندارد و روابط بانک بدون ربا با مشتری را ترسیم کرده است.

با ورود به اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا در بخش تجهیز و تخصیص و تقسیم‌بندی عقود، یک موضوع مهم نمایان می‌شود (که تقریباً کلیه مفاد قانون در مورد آن صحبت می‌کند) که همان رابطه فقهی بانک و مشتری است. به بیان دیگر، قانون عملیات بانکی بدون ربا تنها به رابطه فقهی و حقوقی معاملات در قالب عقود و قراردادها تمرکز دارد. فقه معاملات اسلامی در حدود ۱۴۰۰ سال، تعیین‌کننده روابط معاملاتی، تجاری، شراکتی و ... مردم در بازار کسب و کار اسلامی بوده و روابط حقوقی عقلانی، اخلاقی و چهارچوب مشخص برای طرفین معامله تعریف و نهادینه کرده بود. به بیان دیگر، در طول تاریخ تحولات تجاری، شریعت تعیین‌کننده روابط تجاری دو مؤمن در بازار کسب و کار بوده و نقش اساسی در استحکام معاملات ایفا می‌کرد. اتفاق مهمی که در تدوین، تصویب و اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا در سال ۱۳۶۲ افتاد (با توجه به فعالیت بانک متعارف در ایران)، حذف یکی از طرفین و جایگزین‌ساختن بانک به‌جای آن بود. موضوعی که در شکل شماره (۲) ارائه شده است. بنابراین، روابط حقوقی بین بانک و مشتری مشابه روابط حقوقی دو مسلمان در عقود اسلامی است.

شکل شماره ۲: تعریف فقه معاملات در بانک بدون ربا



منبع: اکبر کشاورزیان پیوست، تأمین مالی در عملیات بانکی بدون ربا، ۱۴۰۰، صفحه ۳۶

نظام بانکی هر کشور باید به‌صورت سیستمیک بتواند در سه سطح بین‌المللی، ملی (کلان) و محلی (خرد)، رسالت و اهداف خود را محقق سازد. یکی از موضوعات مهم در اصلاح قانون بانکداری کشور، توجه به این اصل مهم است که آیا مبانی نظری بانکداری اسلامی توانایی لازم را برای بنا

کردن سیستم بانکداری اسلامی در هر سه سطح دارد. با توجه به مبانی موجود و روح حاکم بر قانون عملیات بانکی بدون ربا، مباحث مطرح‌شده در بانکداری کشور فقط محدود به رابطه حقوقی بانک و مشتری (سطح محلی یا خرد) است و سایر روابط حاکم بر نظام بانکداری در سطح کلان و بین‌الملل وجود ندارد. به بیان دیگر، مبانی بانکداری اسلامی (به‌دلیل نوپابودن و اعتقاد داشتن به مساوی بودن ربا با بهره) برای کل نظام بانکی کشور، فاقد مبانی نظری است و تنها به رابطه حقوقی بانک و مشتری پرداخته است. این موضوع بایستی در اصول موضوعه بررسی شده و در تدوین قانون جدید، به یک نتیجه منطقی و روشن رسید. در پیش‌فرض‌های تدوین قانون جدید بانکداری کشور باید بپذیریم که نظام بانکداری حاکم بر کشور در سطح کلان و بین‌المللی مطابق با بانکداری متعارف دنیا باشد و با پذیرش این اصل مهم به قانون‌گذاری پرداخته شود.[۱]

اصول موضوعه عقلانی و اخلاقی در فلسفه وجودی بانکداری بدون ربا

در هر جامعه‌ای، بخشی از سرمایه‌های نقدی در دست افرادی قرار دارد که به دلایل مختلف، علاقه یا توان استفاده کارآمد از آن را ندارند. از طرفی، سرمایه‌گذاران یا کارآفرینان با تجربه‌ای وجود دارند که سرمایه کافی در اختیار ندارند. در نتیجه، وجود مؤسسه‌هایی که بتوانند این دو گروه از افراد جامعه را به شکل امن، راحت و با هزینه‌های عملیاتی کم به هم مرتبط کنند و زمینه‌های لازم برای رشد سرمایه‌گذاری، تولید و رفاه جامعه را به‌وجود آورند، ضروری است. بانک‌ها به‌عنوان واسطه‌گر مالی، رسالت سنگین تجهیز و تخصیص منابع را بر عهده دارند و این مأموریت را می‌توان مهمترین فلسفه وجودی بانک‌ها قلمداد کرد. فلسفه وجودی بانک‌ها در انجام‌دادن سه تبدیل مهم به‌شرح زیر قابل‌تحلیل و برای اقتصاد کشور و بازار کسب و کار اثربخش است.

الف- تبدیل اندازه[۲]: با توجه به بهره‌گیری صنایع از تکنولوژی نوین، برای راه‌اندازی و تداوم فعالیت یک بنگاه اقتصادی، میزان منابع مورد نیاز بسیار فراتر از آن است که یک قرض‌دهنده بتواند تمام منابع آن را تأمین کند. به بیان دیگر، قرض‌گیرندگان معمولاً حجم بالایی از منابع مالی را طلب می‌کنند، در حالی که قرض‌دهندگان عموماً درآمدهای مازاد اندکی برای قرض‌دادن دارند. یکی از مهمترین عملیات دارای ارزش‌افزوده بانک، تجمیع سپرده‌های اندک سپرده‌گذاران و اعطای تسهیلات

---

[۱] اکبر کشاورزیان، پیوست، ***پیش‌فرض‌های عقلانی و اخلاقی برای اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا***، ۱۴۰۰

[2] Size Transformation

با مبالغ بالا به مشتریان اعتباری برای سرمایه‌گذاری است که به این امر، تبدیل اندازه گفته می‌شود. مثال ساده این موضوع را می‌توان در تسهیلات مسکن جست و جو کرد.

ب. تبدیل سررسید[۱]: معمولاً قرض‌دهندگان می‌خواهند هر زمان که نیاز داشتند، بتوانند منابع مالی قرض داده‌شده را از قرض‌گیرندگان بگیرند. به بیان دیگر، نقدشدن و در دسترس‌بودن منابع قرض داده‌شده برای قرض‌دهنده دارای مطلوبیت است؛ بنابراین، ترجیح می‌دهند منابع خود را به‌صورت کوتاه‌مدت یا عندالمطالبه وام دهند. در مقابل، قرض‌گیرندگان معمولاً می‌خواهند تا در دوره عمر پروژه یا سرمایه‌گذاری، دغدغه‌ای از بابت بازپرداخت منابع نداشته باشند تا بازگشت سرمایه‌گذاری روند طبیعی خود را طی‌کرده و از این طریق بازپرداخت منابع انجام پذیرد. بانک‌ها تسهیلات بلندمدت را با استفاده از سپرده‌های کوتاه‌مدت انجام می‌دهند که به این امر، تبدیل سررسید گفته می‌شود. تسهیلات بلندمدت مسکن مثال ساده‌ای از این تبدیل سررسید قلمداد می‌شود.

پ. تبدیل ریسک[۲]: قرض‌دهندگان معمولاً دارایی‌های کم‌ریسک را ترجیح می‌دهند، در حالی که قرض‌گیرندگان معمولاً منابع وام گرفته‌شده را با هدف کسب سود بالاتر، در فعالیت‌های پرریسک استفاده می‌کنند. اگر قرض‌دهنده به‌صورت مستقیم منابع خود را در اختیار قرض‌گیرنده قرار دهد، ریسک نکول بالا می‌رود؛ اما اگر از طریق بانک این کار صورت پذیرد، به دلیل اینکه بانک‌ها سبدی از تسهیلات در بخش‌های مختلف با اخذ وثایق دارند، ریسک نکول پایین‌تری دارند. به این فعالیت مهم بانک‌ها، «یک‌کاسه‌کردن وام‌ها»[۳] نیز گفته می‌شود. با توجه به مطلوبیتی که وام‌گیرندگان و وام‌دهندگان در تعامل با نهاد بانک دارند، فلسفه وجودی بانک را توضیح‌داده و ترجیح می‌دهند نسبت به پرداخت مبلغی به بانک برای دریافت این ارزش‌افزوده اقدام کنند و خود، به‌طور مستقیم قرض نگیرند؛ اما اگر در بازار کسب و کار اطلاعات کامل وجود داشته باشد و هیچ هزینه مبادله‌ای وجود نداشته باشد، وجود واسطه‌های مالی ضروری نخواهد بود.[۴]

کاهش هزینه‌های مبادله، ایجاد ارزش‌افزوده و دریافت کارمزد

فلسفه وجودی بانک‌ها، ایجاد ارزش‌افزوده و کاهش هزینه مبادله در اقتصاد و جامعه بوده و بابت آن در بانک‌های متعارف، بهره دریافت می‌شود. و اگر فلسفه وجودی بانک‌ها را در بانک‌های بدون

---

[1] Maturity Transformation
[2] Risk Transformation
[3] Pooling
[۴] کنت ماتیوس و جان تامپسون، ***اقتصاد بانکداری***، ترجمه علی سرزعیم، تهران: آریانا قلم، ۱۳۹۲، ص‌ص. ۵۴-۷

ربا بپذیریم، باید کارمزد اخذ شود. این موضوع در بانکداری بدون ربا به رسمیت شناخته‌نشده و به دلایل مختلف فاقد مبانی عقلانی و اخلاقی است.[۱] بانک‌ها در جامعه باعث کاهش هزینه مبادله می‌شوند و عقلانیت حکم می‌کند که بانک‌ها در بازار کسب و کار حضور داشته باشند. هزینه‌های مبادله برای بررسی رویارویی مستقیم عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان منابع به‌طور اجمالی به‌شرح زیر است.[۲]

الف- هزینه‌های جست و جو[۳]: یافتن دو نفر با سلایق و روحیات یکسان برای انجام دادن یک فعالیت یا اعطای وام، مذاکره، تدوین قرارداد و ... برای طرفین هزینه زمانی (فرصت) و هزینه ریالی دارد.

ب- هزینه‌های تأیید[۴]: هزینه‌های مربوط به بررسی توجیه‌پذیری پروژه‌ای که عرضه‌کننده وجوه قرارداد است، نسبت به پرداخت منابع آن اقدام کند.

پ- هزینه‌های نظارت[۵]: وقتی که وام داده شد، عرضه‌کننده وجه مایل است تا پیشرفت کار پروژه یا فعالیت فرد وام‌گیرنده را مورد نظارت قرار دهد تا اطمینان حاصل کند که منابع در جهت پیشنهاد مطرح‌شده، مصرف می‌شود. در اینجا موضوع مخاطرات اخلاقی مطرح است.

ت- هزینه‌های اعمال قرارداد[۶]: چنانچه گیرنده منابع، مفاد قرارداد را اجرا نکند، عرضه‌کننده وجوه برای عملیاتی‌کردن آن باید از روش‌های مختلف قانونی استفاده کند و هزینه‌های زمانی و ریالی صرف اعمال قرارداد کند.[۷]

هزینه‌های مبادله‌ای که بحث شد، بانک به‌عنوان یک نهاد تخصصی می‌تواند به‌صورت حرفه‌ای و با هزینه‌های خیلی پایین انجام دهد و این موضوع جایگاه مهم نهاد بانک در عرصه اقتصاد و سرمایه‌گذاری را به‌خوبی نشان می‌دهد. در هر یک از این هزینه‌ها، بانک‌ها با ابزارها، مزیت‌ها و صرفه‌های ناشی از مقیاس، می‌توانند به کاهش قیمت بپردازند. بانک‌ها برخلاف تصور عمومی (به‌ویژه در ایران)، بابت خدمات حرفه‌ای که انجام می‌دهند، برای مشتریان سپرده‌ای و اعتباری ارزش‌افزوده ایجاد می‌کنند. بر این اساس، اغلب مشتریان ترجیح می‌دهند به‌طور مستقیم (در بازار سرمایه) سرمایه‌گذاری نکنند.

---

[۱] اکبر کشاورزیان پیوست، ***طراحی بانکداری بدون ربا بر مبنای عقلانیت و اخلاق***، رساله دکترا دانشگاه مفید، ۱۳۹۶

[۲] اکبر کشاورزیان پیوست، ***تأمین مالی در عملیات بانکی بدون ربا***، ۱۴۰۰، ص. ۱۲-۱۰

[3] Search Costs

[4] Verification Costs

[5] Monitoring Costs

[6] Enforcement Costs

[۷] کنت ماتیوس و جان تامپسون، ***اقتصاد بانکداری***، ترجمه علی سرزعیم، تهران: آریانا قلم، ۱۳۹۲، ص‌ص. ۵۸-۹

این هزینه‌ها باید در تدوین قانون بانکداری بدون ربا مورد توجه قرار گرفته و تعیین تکلیف شود. هزینه‌های بر مبنای عقلانیت و اخلاق که باعث ایجاد ارزش‌افزوده و کاهش هزینه مبادله در اقتصاد کشور می‌شود، باید به رسمیت شناخته‌شده و از مشتریان اخذ شود.

کارمزد خدمات تعهدی

بانک مرکزی براساس مفاد قانون عملیات بانکی بدون ربا، نرخ یا تعرفه خدمات بانکی را تعیین و به بانک‌های کشور ابلاغ می‌کند. خدمات تعهدی با وجود فقدان ریشه عقدی و عدم تطابق با عقد ضمان و حتی در برخی موارد عقد جعاله، به‌دلیل منافع و مصالح آن برای جامعه اسلامی، مورد تأیید واقع‌شده و در نظام بانکی کشور عملیاتی شده است. یکی از مهمترین این خدمات، صدور ضمانت‌نامه بانکی است. بانک‌ها در نقش ضامن، تعهدات مشتریان خود (ضمانت‌خواه) را در مقابل شخص ثالث (ذی‌نفع) می‌پذیرند و اعلام می‌کنند که هر زمان (در دوره اعتبار ضمانت‌نامه)، ذی‌نفع، مبلغ ضمانت‌نامه را واخواست کند، مبلغ ضمانت‌نامه را عندالمطالبه به‌حساب ذی‌نفع واریز کنند. بانک بابت تعهدی که انجام می‌دهد، کارمزد دریافت می‌کند. به بیان دیگر، نظام بانکداری بدون ربا، اخذ کارمزد در مقابل پذیرش تعهدات مشتری را تنها در بخش تعهدات، یعنی گشایش اعتبار اسنادی و ضمانت‌نامه قبول دارد.

نکته مهم و کلیدی دیگر این‌که، این کارمزد متناسب با میزان ریسک نکول بانک انعطاف‌پذیر است؛ یعنی اگر بانک تعهدات مشتری خود را در قبال سفته (به امضای ضامنین معتبر) بپذیرد، بالاترین کارمزد یعنی ۲ درصد در سال را نسبت به مبلغ ضمانت‌نامه پرداخت می‌کند. اگر غیرمنقول باشد، ۱ درصد، اگر سپرده بلندمدت باشد ۰/۵ درصد و اگر سپرده نقدی باشد، هیچ‌گونه مبلغی (به غیر از مبلغ ثابت ۵۰۰ هزار ریال) از مشتری تحت عنوان کارمزد اخذ نمی‌شود. نظام بانکی تا به حال این روال را در سایر خدمات اعتباری، عملیاتی نکرده است. این موضوع کاملاً عقلانی و اخلاقی که نخست در مقابل قبول تعهد، می‌توان کارمزد دریافت کرد و دوم، میزان کارمزد متناسب با ریسک مشتری تعیین می‌شود، می‌تواند سرآغازی برای بنیادنهادن بانکداری بر پایه عقلانیت و اخلاق باشد. نکته مهم و قابل‌توجه این‌که، با وجود تمام چالش‌ها و انتقادهایی که برای نظام بانکی بدون ربای کشور در افکار عمومی مطرح است، به‌دلیل چهارچوب‌های عقلانی و اخلاقی ضمانت‌نامه به‌عنوان یک خدمت مطابق با بانکداری متعارف، هیچ‌گونه چالش و انتقادی درخصوص این ابزار تعهدی مطرح نیست. با پذیرش این اصل مهم، پذیرش موضوعات عقلانی توسط شرع یک‌بار دیگر تأیید می‌شود. نظام بانکداری بدون ربا با پذیرش این موضوع، بخشی از فلسفه وجودی بانکداری را پذیرفته و قبول دارد که بخشی

از هزینه‌های مبادله نظیر تأمین، نظارت و اعمال قرارداد، در نظام بانکی انجام شده و عقلانیت و اخلاق، حکم می‌کند مشتری منافع حاصل از بهره‌برداری از ارزش افزوده این خدمات را بپردازد.

اصول موضوعه عقلانی و اخلاقی در مبانی نظری بانکداری بدون ربا

در مبانی نظری بانکداری بدون ربا، یک‌سری پیش‌فرض‌هایی مطرح است که با مبانی عقلانی و اخلاقی سازگار نیست و بر این اساس، نهادینه‌کردن آن‌ها در سیستم بانکی به‌ویژه در اقتصاد و بازار کسب و کار کشور امکان‌پذیر نیست. تجربه اجرای بانکداری بدون ربا در دهه‌های اخیر نشان داده که با وجود مجبوربودن مردم برای تعامل با نظام بانکی به‌دلیل انحصاری‌بودن آن، اعتقادی برای عملکرد عقلانی و اخلاقی نظام بانکی وجودنداشته و بر این اساس، می‌توان استنباط کرد که مطابق با مبانی شریعت نیست. برای بهبود این وضعیت در نظام بانکی کشور، حرکت به‌سمت تدوین قانون بانکداری جدید بر مبنای پیش‌فرض‌ها یا اصول موضوعه جدید، اجتناب‌ناپذیر است. در این بخش به آن قسمت از پیش‌فرض‌هایی پرداخته می‌شود که با توجه به مبانی نظری بانکداری بدون ربا باید تغییر کند.

ربا و بهره

بررسی نوع مواجهه کشورهای اسلامی با بانکداری اسلامی در مرحله عمل و انجام دادن عملیات بانکی نشان می‌دهد که بانک‌های اسلامی در حال رشد بوده ولی نظام بانکی مسلط در کل کشورهای جهان نظیر کشورهای اسلامی، بانکداری متعارف است.[۱] در این کشورها، ربا با بهره متفاوت است و اگر بهره با ربا یکسان در نظر گرفته می‌شد، کشورهای اسلامی هرگز براساس حکم قطعی تحریم ربا در قرآن، از نظام بانکی متعارف استفاده نمی‌کردند. یکی از موضوعات مهمی که در مدل‌سازی بانکداری بدون ربا به‌عنوان یک اصل و فرض اساسی مؤثر است، یکسان فرض‌کردن بهره و ربا یا متفاوت قلمداد کردن آن‌ها است. ربا[۲] به‌صورت صریح در قرآن تحریم شده و حرام بودن آن با توجه به آیات قرآن بر هیچ مسلمانی پوشیده نیست؛ اما درخصوص تفاوت ربا با بهره[۳]، از یک طرف ملاحظات کتاب و سنت و از منظر دیگر عقلانی و اخلاقی بودن آن با توجه به وضعیت اقتصادی و اجتماعی وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

---

[۱] یداله دادگر، **مقدمه‌ای در: *آموزه‌های اقتصادی و مالی اسلام***، تهران: نشر آماره، ۱۳۹۳.

[2] Usury

[3] Interest

یکسان‌بودن ربا با بهره در قانون عملیات بانکی بدون ربا

یکسان‌بودن ربا با بهره در قانون عملیات بانکی بدون ربا به‌عنوان یک فرض اساسی مطرح است که اکثر عملیات امور بانکی کشور و تعامل با بانکداری بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داده است؛ اما با توجه به برخی مبانی عقلانی و اخلاقی که درخصوص مفهوم پیچیده و متحول شده ربا وجود دارد، این فرض دارای چالش‌هایی است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

- **عدم توجه به شاه‌بیت اصلی ربا یعنی ظلم:** دلیل اصلی تحریم ربا به غیر از حکمت، ظلم فاحش رباست. با توجه به این‌که در روابط بین بانک و مشتری در بانکداری متعارف، قرارداد قرض محقق نمی‌شود، برخی اعتقاد دارند در این نظام بانکی، به قرض‌گیرنده و قرض‌دهنده ظلم نمی‌شود.[۱] قرض‌گیرنده در نظام حمایتی بانک، مورد حمایت قرار می‌گیرد تا رشد و توسعه در سطح خرد و کلان اتفاق بیفتد. حتی کشورهای اسلامی مانند ایران نیز به‌دنبال تأمین مالی از بانکداری متعارف کشورهای خارجی هستند.
- **غفلت از مفهوم ربا در عصر تشریع و عصر حاضر:** ارزش ذاتی پول فلزی در عصر تشریع، پدیده تورم با منشأ پولی را بی‌مفهوم ساخته بود. ولی سایر عوامل نظیر خشک‌سالی، سیل، زلزله، عرضه و تقاضای کالاها، عیار و وزن پول فلزی و حتی افزایش مقدار پول فلزی نیز در ایجاد تورم نقش داشتند. تورم با ریشه پدیده پول اعتباری، نظام اقتصادی و سیستم پولی و بانکی کشورهای عصر حاضر را به چالش کشیده و به‌عنوان معضلی برای سیاست‌گذاران عرصه اقتصادی و عاملی برای فقر دهک‌های پایین درآمدی جامعه تبدیل‌شده و از همه مهم‌تر، موضوع ربا را در اقتصاد و جامعه دگرگون کرده است.
- **عدم توجه به ماهیت دولت و نقش آن در اقتصاد و تجارت بین‌الملل:** در عصر تشریع، دولت به مفهوم امروزی وجود نداشت و حاکمیت در اقتصاد دخالت نمی‌کرد. امور اقتصادی و بازرگانی در دست بخش خصوصی بوده و حاکمیت بیشتر به ایجاد امنیت می‌پرداخت. به دلیل فقدان پول اعتباری و رواج طلا و نقره در تجارت بین‌الملل و مقبولیت همگانی آن، بازرگانی با ملل مختلف از پیچیدگی کنونی برخوردار نبوده و برای موفقیت در این عرصه، از عقلانیت اقتصادی برای پیشبرد امور اقتصادی استفاده می‌شد.
- **تغییر نقش سرمایه به‌عنوان اولین عامل تولید در حال حاضر:** در عصر تشریع، به‌دلیل سطح پایین تکنولوژی تولید، نیروی کار نقش بنیادی در تولید محصول داشته و نقش سرمایه بسیار

[۱] با توجه به این‌که برخی اعتقاد دارند که در نظام بانکی متعارف، قرض حاکم نیست، بهتر است عرضه‌کننده منابع عنوان شود.

ناچیز بوده است. این در حالی است که در دنیای متحول امروز، سرمایه نقش اساسی در تولید داشته و بدون سرمایه نمی‌توان یک فرایند تولیدی را راه‌اندازی کرد. بر این اساس، نقش ذخیره ارزش پول برای راه‌اندازی بنگاه‌های اقتصادی بیشتر شده و در فضای کسب و کار، این موضوع با نگرش جدیدی بررسی می‌شود.

- **فقدان اجرای عقود اسلامی در جامعه و بازار:** یکی از مشکلات نظام بانکداری بدون ربا، بیگانه‌بودن فعالان اقتصادی با مفاهیم فقهی و عقلی عقود اسلامی (دستکاری‌شده) و اعتماد نداشتن به مفاد آن‌ها است. در وضعیت کنونی، کمتر قراردادی را در بازار می‌توان یافت که براساس عقود اسلامی منعقد شده باشد و تنها نظام بانکی از این عقود به‌صورت انحصاری استفاده می‌کند.
- **اجرای تدریجی شریعت:** ربا به‌عنوان بدترین نوع گناهان، در قرآن به‌صورت تدریجی تحریم شده است و در تحریم آن، ملاحظات جامعه‌شناختی و التهابات ناشی از آن کاملاً احصا شده بود. قانون بانکداری ایران در شهریورماه ۱۳۶۲ تصویب و از ابتدای سال ۱۳۶۳ در کل نظام بانکی به‌صورت انحصاری، اجرایی شد. مصوبه مجلس شورای اسلامی، اجرایی‌شدن قانون در پنج‌سال و به‌صورت تدریجی بود، ولی شورای نگهبان آن را نپذیرفت. حتی اگر بانکداری متعارف ربوی و فاقد عقلانیت و اخلاق هم می‌بود، باید ربا با یک تدبیر و با توجه به وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه و با ایجاد یک نهاد جایگزین متناسب و با یک زمان‌بندی، حذف می‌شد. با توجه به اینکه متخصصان و مجریان بانکداری کشور در تدوین و تصویب این قانون نقش اثرگذاری نداشتند و نیازها و انتظارات مردم و بازار کسب و کار در نظر گرفته نشده بود، این قانون موجب نارضایتی مردم و عدم پاسخ‌گویی به بخش عمده انتظارات مردم از نظام بانکی شد. برخی از متفکرین بر اساس مراحل تحریم ربا در قرآن و بر مبنای سنت پیامبر و امامان اعتقاد دارند که اجرای احکام الهی حتی موضوع مهمی نظیر ربا، متناسب با ظرفیت و پذیرش جامعه و اذهان عمومی اجرایی می‌شود. اگر این موضوع در برخی از احکام رعایت نشود ممکن است حکم مورد نظر، اهداف اصلاحی یا ایجابی را محقق نکرده و حتی موجب بدبینی مسلمانان شود. موضوعی که در تدوین و اجرای قانون عملیات بانکی اتفاق افتاد. بنابراین، نحوه اجرای احکام در جامعه اسلامی بایستی با تدبیر و هوشمندی کامل و با توجه به وضعیت کشور انجام پذیرد.[۱]
- **سایر دلایل تفاوت ربا در عصر تشریع و عصر حاضر:** این موارد به‌صورت کلی و تیتروار ارائه می‌شود.

---

[۱] محمدرضا یوسفی، ***امکان اجرای تدریجی شریعت، بررسی موردی در ادبیات اقتصاد اسلامی***، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۳۰، تابستان ۱۳۸۷

- فقدان نهاد پول، بانک و نهادهای مرتبط با آن در عصر تشریع؛
- تفاوت فاحش ماهیت پول و فقدان موضوعات پایه پولی، خلق پول، ضریب فزاینده و... در صدر اسلام؛
- فقدان نهاد دولت به مفهوم امروزی و مدرن و نقش آن در نظام بانکی و برعکس؛
- تفاوت زیاد نهاد قراردادها به مفهوم امروزی با عقود حاکم بر معاملات در عصر تشریع؛
- اجرای عقود صدر اسلام با وجود تفاوت‌های تاریخی و تحولات گسترده در جهان؛

بهره، جبران تورم

نگاه قانون‌گذاران عملیات بانکی بدون ربا نسبت به ماهیت پول، به‌صورت کالا بوده است.[۱] این تعریف از پول، به‌عنوان نظر کل فقها نبوده و نظرهای متفاوتی در این خصوص وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. برخی فقها اعتقاد دارند که ماهیت پول، قیمت و ارزش[۲] آن است و این قیمت در طول زمان و به دلایل مختلف مانند تورم، تغییر می‌کند. این گروه از فقها اعتقاد دارند که بایستی ارزش واقعی و حقیقی پولِ قرض گرفته شده به صاحب آن برگردانده شود و در صورت عدم رعایت این موضوع، اصل لاضرر و لاضرار مخدوش شده و به قرض‌دهنده ظلم می‌شود. بر این اساس، اگر در نظام بانکی مبالغی مازاد بر اصل با هدف جبران تورم و حفظ ارزش واقعی پول پرداخت شود، ربا محسوب نمی‌شود.[۳] در دوره پیامبر نیز ارزش واقعی با وجود پول فلزی و محفوظ‌بودن ارزش ذاتی، در بازار حاکمیت داشت و قرض‌دهنده در هیچ حالتی با کاهش ارزش دارایی خود مواجه نمی‌شد و منطق درستی در این زمینه حاکم بود. مفهوم و ماهیت پول اعتباری در دنیای مدرن، ساختار نهادی پیچیده و توأم با عقلانیت و اخلاق را می‌طلبد که از عدم مداخله جلوگیری کند و کمترین آسیب را به آحاد مختلف جامعه وارد سازد.

اختصاص ربا به زیاده فاحش

برخی از متفکرین اقتصاد اسلامی و فقها براساس آیات قرآن و سنت پیامبر اعتقاد دارند که ربا در زمانی محقق می‌شود که باعث چند برابر (دو برابر) شدن بدهی قرض‌گیرنده باشد. این نظریه فقهی

---

[۱] کالا بودن پول در این بحث، با نظریه میلتون فریدمن درخصوص کالا بودن پول و تعیین قیمت آن در بازار پول متفاوت است. قانون عملیات بانکی بدون ربا، پول یا اسکناس را به‌عنوان کالا فرض می‌کند و با توجه به مبانی و تعریف ربا، اعتقاد دارد که در قرارداد قرض، هر اضافه مشروطی نسبت به پول (اسکناس) قرض داده شده، رباست.

[۲] در بین فقها، قیمت و ارزش پول به«قِیمی بودن پول» معروف است.

[۳] یداله دادگر، ***مقدمه‌ای در: آموزه‌های اقتصادی و مالی اسلام***، تهران: نشر آماره، ۱۳۹۳، ص‌ص. ۱۳۰ و ۱۳۲.

از جهات مختلف نظیر عدم تفاوت در میزان اضافه در قرارداد قرض به دلیل فقدان جایگاه اقتصادی برای آن، دارای ایراد بوده و می‌تواند مورد نقد و بررسی قرار گیرد.[۱] این گروه اعتقاد دارند که نرخ‌های بهره پایین، ربا قلمدادنشده و با این استدلال فقهی، در بیشتر کشورهای مسلمان نرخ بهره پایین در بانک‌های متعارف نهادینه‌شده و اکثریت مردم آن کشورها نیز استنباط ربوی بودن از این سیستم ندارند. به بیان دیگر، در حال حاضر اکثر کشورها و مردم مسلمان این موضوع را پذیرفته و با آن امور تجاری، سرمایه‌گذاری و روابط با بانکداری بین‌الملل را بدون مشکل و مانع خاصی انجام می‌دهند.

تفاوت ربا با بهره در ادیان توحیدی

فقها و پیروان کنونی دین یهود و دین مسیح با توجه به مناسبات دنیای مدرن و الزامات عقلانی و اخلاقی آن، ربا را با بهره متفاوت قلمدادکرده و وجود بهره را به‌عنوان یک موضوع جدید و لازم پذیرفته‌اند. به بیان دیگر، اکثریت مردم جهان در حال حاضر مشکلی درخصوص اخذ بهره نداشته و آن را مساوی ربا قلمداد نمی‌کنند. دو مورد از مبانی حاکم بر ربا و تفاوت‌های تاریخی و مبنایی ربا با بهره در این بخش ارائه می‌شود.[۲]

۱- «کلیسا هرگز نیاموخته است که دریافت هرگونه بهره‌ای خطاست، تنها چیزی که خطاست بهره وام از خلال اعطای وام است و نه از خلال برخی از عوامل مربوط به وام که برای جبران عادلانه فراهم می‌کنند».

۲- «برداشت آکویناس از ربا (همراه با نظریه کلی او در مورد جبران[۳])، بیان‌کننده اصولی (نه قوانینی که اخلاق‌مداران یا کشیش‌ها وضع کرده‌اند) است که امکان فهم دلیل این مطلب را فراهم می‌کند که چرا در عهد او، دریافت بهره (تعریف شده) با ماهیت سود، توسط وام‌دهندگان ناعادلانه بود؛ اما با توسعه بازار سرمایه برای هر دو حوزه سهام و اوراق قرضه، دریافت چنین هزینه‌ای به امری عادلانه و معقول تبدیل‌شده که با نرخ عمومی بازده حقوق صاحبان سهام ارتباط دارد».

---

[۱] سیدعباس موسویان، ***ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)***، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۹، ص‌ص. ۱۵۲-۴

[۲] یحیی عبدالرحمن، ***هنر بانکداری و تأمین مالی اسلامی***، ترجمه سیدمحمدرضا امیری طهرانی، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۹۴، ص‌ص. ۱۰۰-۹۸

[3] Compensation

ربا در امور مصرفی، نه تولیدی

برخی از فقهای اهل سنت و شیعه و اقتصاددانانی نظیر شیخ شلتوت، رشیدرضا، آیت‌الله سیدمحمد بجنوردی، آیت‌الله صانعی و همایون کاتوزیان با تکیه بر کتاب و سنت اعتقاد دارند، اسلام تنها قرض و ربا برای تأمین امور مصرفی ضروری از قبیل غذا، پوشاک، مسکن و درمان را ممنوع‌کرده و قرض و ربا در امور سرمایه‌گذاری با هدف کسب درآمد در امور تولیدی و تجاری و خدماتی حاکم نیست.[۱] این موضوع که تقریباً مشابه استدلال کشیشان و متفکران دین مسیح است، دارای انتقاداتی است نظیر اخذ ربا از کاروان‌های تجاری در دوره صدر اسلام که قابل‌تأمل است.

ماهیت پول به‌عنوان یک نهاد جدید

ماهیت پول و نوع نگرش به آن در نظام پولی نوین دنیا همراه با تحولات صورت‌گرفته در نهاد بانک دچار تغییرات زیادی شده است. پول در دوران صدر اسلام ارزش ذاتی داشت و به‌عنوان وسیله مبادله، سنجش و ذخیره ارزش مطرح بود. بر این اساس، نگاه به پول همانند کالا بوده و هر حکمی که در خصوص ربای معاملی حاکم بود، در مورد ربای قرضی نیز صادق بود. در سده‌های اخیر، پول فلزی منسوخ‌شده و پول کاغذی یا اعتباری جایگزین آن شده است. پول در دوره استاندارد طلا (که پشتوانه پول‌های اعتباری، میزان طلای کشورها بود) دارای ارزش ذاتی معینی بود و به‌عنوان نماینده پول فلزی در دست مردم رد و بدل می‌شد. بعد از کنار گذاشته‌شدن استاندارد طلا در دهه‌های اخیر در جهان و مبنا قرارگرفتن قدرت اقتصادی و سیاسی کشورها برای تعیین میزان اعتبار ارز آن‌ها در بین کشورهای مختلف، ارزش ذاتی پول اعتباری یا کاغذی از بین رفت و نگرش به پول به‌عنوان کالا مفهوم خود را از دست داد.

قاعده شاخص سنجش کالا

یکی از موضوعات مهمی که برای مبادله کالاها و خدمات در عصر تشریع وجود داشته، سنجش آن‌ها با یک معیار مشخص نظیر نقره و طلا بود. به بیان دیگر، اگر مقرر می‌شد ۱۰۰ مَن گندم مرغوب با ۵۰۰ مَن گندم نامرغوب معامله شود، برای جلوگیری از حیله ربا و غرر، ابتدا هر دو کالا با یک معیار مشخصی نظیر طلا یا نقره ارزش‌گذاری می‌شد و سپس معامله انجام می‌شد. موضوعی که به‌دلیل

---

[۱] سیدعباس موسویان، ***ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)***، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۹، ص‌ص. ۱۵۷-۷.

داشتن عقلانیت و اخلاق در آن، در قرن بیست و یکم نیز به‌همان روال اجرا می‌شود. در نظام بانکداری بدون ربا نیز می‌توان این روال را نهادینه کرد. اگر طلا را به‌عنوان معیار دارای ارزش ذاتی قبول کنیم و بخواهیم کاری که در دوره صدر اسلام انجام می‌شد، به دلیل منطق قابل‌قبول، الآن نیز انجام دهیم، وضعیت خیلی بهتر از عملکرد فعلی نظام بانکی خواهد بود. در این روش، به دلیل تفاوت ارزش پول در زمان سپرده‌گذاری (در قالب قرض) با زمان سررسید (زمانی که می‌خواهد مبلغ خود را برداشت کند)، از معیار سنجش دیگری نظیر طلا بهره‌برداری می‌کنیم. ارزش واقعی پول در این روش بر مبنای میزان قدرت خرید طلا (چند گِرم) در زمان سپرده‌گذاری (قرض‌دادن) مورد محاسبه قرارگرفته و در زمان اخذ سپرده از بانک، مشتری به دنبال اخذ ارزش مبلغ قرض داده‌شده خواهد بود؛ یعنی اگر معادل ارزش ۲۰ گرم قرض‌داده، بایستی معادل ارزش ۲۰ گرم طلا را دریافت کند. این روش به‌منزله بازگشت نظام بانکی به دوره پشتوانه طلا نبوده و تنها طلا به‌عنوان شاخص سنجش کالا[1] مورد استفاده قرار می‌گیرد تا ارزش‌گذاری بر پایه بازار[2] محقق شود. این روش در بانک بدون ربای ویتی‌یر[3] در ایالات متحده آمریکا اجرا می‌شود.[4] با توجه به داشتن سنجه بهتری به نام شاخص قیمت که تغییرات قیمت کل کالاها و خدمات (سبد کالایی) را در برمی‌گیرد، منطقی است که از این شاخص بهره‌برداری کرد.

الزامِ داشتن یک نرخ سود/ بهره در قرارداد مالی

یک بحث اساسی در متغیر مهم نرخ بهره وجود دارد که هیچ‌یک از اقتصاددانان نمی‌توانند نقش تعیین‌کننده و کلیدی آن را در کنترل سیاست‌های پولی و ثبات اقتصادی کشور از یک‌طرف و نقش آن در مبادله و انعقاد قراردادهای مالی (معاملات)، نادیده بگیرند و این موضوع به‌عنوان یک الزام در اقتصاد و نظام مالی مطرح است. از مجموعه مباحث فقهی، حقوقی، اقتصادی و اجتماعی که متفکران مسلمان درخصوص انواع بهره و کارکردهای آن در نظام مالی و اقتصادی کشور مطرح می‌کنند، نمی‌توان وجود مفهوم بهره طبیعی در نظام اقتصادی را منکر شد.[5] برای سرمایه‌گذاری و انجام دادن

[1] Commodity Indexation
[2] Mark-to-Market
[3] Whittier

[4] یحیی عبدالرحمن، ***هنر بانکداری و تأمین مالی اسلامی***، ترجمه سیدمحمدرضا امیری طهرانی، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۹۴. ص‌ص. ۲۳۹-۲۱۴

[5] اسداله فرزین‌وش و کامران نَدری، ***ربا، بهره قراردادی و بهره طبیعی (نقد مفهوم بهره در نظریات اقتصادی متفکران مسلمان)***، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۰، بهار و تابستان ۱۳۸۱

مبادلات واقعی در اقتصاد، وجود یک مبنا و معیار برای تصمیم‌گیری الزامی است. برخی از متفکرین اعتقاد دارند که این موضوع ناشی از نرخ بهره طبیعی است. با حذف متغیر مهم بهره در اقتصاد، چه متغیری جایگزین آن در اقتصاد و بازار خواهد شد؟ با توجه به عملکرد نظام بانکی، نرخ مرابحه (بیع نسیه) یا نرخ اجاره یا نرخ سود مورد انتظار جایگزین این متغیر شده که در اکثر موارد به دلیل مخاطرات اخلاقی حاکم بر تحقق مفاد قراردادها، به‌ویژه در عقود مشارکتی، از کارایی لازم برخوردار نیست. بنابراین، برای تسهیل مبادلات و کنترل متغیرهای مهم اقتصاد کشور، وجود یک نرخ پایه با نام نرخ کارمزد، نرخ بهره طبیعی یا ... در نظام اقتصادی و بانکی کشور لازم است و فقدان آن باعث افزایش هزینه مبادله می‌شود.[۱]

بانک به‌عنوان نهاد مدرن

مبانی بانکداری اسلامی به‌عنوان یک الگوی جدید می‌تواند به دو شکل مطرح شود: ۱- ساختار و نظام جدیدی تعریف کند و از سیستم بانکداری متعارف استفاده نکند؛ ۲- در صورت بهره‌برداری از نظام بانکداری متعارف، ابتدا با بهره‌گیری از مبانی روش‌شناختی به مقایسه ماهیت، اهداف و کارکردهای بانک و پول به‌عنوان نهاد مدرن در جامعه و اقتصاد بپردازد.

ماهیت بانک به‌عنوان یک نهاد مدرن

بانک به‌عنوان یک نهاد مدرن، ماهیت، کارکرد و آثاری در جامعه دارد که اگر براساس عقلانیت رویه‌ای به آن نگاه کنیم، ریشه در کتاب و سنت ندارد. برای انجام‌دادن تجزیه و تحلیل بر مبنای عقلانیت و اخلاق، سیستم بانکی را به عناصر کلی زیر تقسیم و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم. این تحلیل نشان می‌دهد که قانون‌گذار تا چه حد به ماهیت بانک متعارف برای سوارکردن بانک اسلامی بر ساختارهای غربی آن اشراف و توجه داشته است.

- **واسطه‌گری مالی:** یکی از کارکردهای مهم بانک متعارف، واسطه‌گری مالی[۲] است. بانک‌ها وظیفه اخذ سپرده‌های مردم و اعطای تسهیلات از این محل را دارند و به‌عنوان واسطه عمل می‌کنند.[۳]

---

[۱] محمود متوسلی و رضا آقابابایی، ***آسیب‌شناسی نظام بانکی ایران از منظر نهادگرایی***، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۲، ۱۳۸۵

[2] Financial Intermediary

[۳] فردریک اس. میشکین، ***اقتصاد پول، بانکداری و بازارهای مالی***، ترجمه احمد شعبانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰، ص. ۶۴.

آیا از مفاد قانون بانکداری بدون ربا، واسطه‌گری مالی استنباط می‌شود؟ بانک بدون ربا تنها در بخش محدودی از عملیات بانکداری (۷ درصد) –که نسبت به اخذ سپرده پس‌انداز قرض‌الحسنه اقدام و به‌صورت تسهیلات قرض‌الحسنه (وام) آن‌ها را در اختیار متقاضیان قرار می‌دهد– واسطه‌گری مالی انجام می‌دهد. بانکداری بدون ربا در ۹۳ درصد از عملیات بانکی[۱]، واسطه‌گر مالی نبوده و خود به‌عنوان وکیل و یک فرد بازاری (تاجر[۲]) وارد معاملات در بازار کسب و کار می‌شود و از این طریق سود به دست می‌آورد. در این فرایند، بانک وکیل سپرده‌گذار از یک طرف و شریک سرمایه‌گذار یا فروشنده/ خریدار کالا و خدمات در بخش اعتباری (معاملات یا تسهیلات) از سوی دیگر است. واسطه‌گر مالی، خود به‌عنوان شخصیت حقوقی وکیل، شریک، طرف معامله و پیمانکار نبوده و وارد معاملات بازاری نمی‌شود.

- **ضریب فزاینده و خلق پول:** واسطه‌گری مالی برای بانک‌ها، امکان ایجاد ضریب فزاینده برای پول و ایجاد نقدینگی را به وجودآورده و برحسب میزان پایه پولی و ضریب فزاینده در اقتصاد، نقدینگی ایجاد می‌کند. این ضریب در ایران در اسفندماه ۱۳۹۹ معادل ۷/۶ بود.[۳] این موضوع به‌عنوان یک بحث ذاتی در نظام بانکداری جزئی[۴] (دارای نرخ سپرده قانونی) حاکم است. قانون بانکداری بدون ربا به این موضوع مهم که جزء ماهیت بانکداری است، نپرداخته است.
- **خلق پول، بدون اخذ سپرده:** برخی از اندیشمندان بازار پول اعتقاد دارند که بانک‌ها بدون اخذ سپرده یا داشتن منابع در سمت بدهی ترازنامه، می‌توانند خلق پول کنند و به این دلیل کنترل و نظارت بر بانک‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است.[۵] این مکانیزم با چند روش انجام می‌شود. نخست این‌که بانک‌ها، مبالغ مورد نیاز را از بانک مرکزی دریافت کنند و بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی افزایش یابد. این اقدام باعث افزایش پول پرقدرت شده و نقدینگی را افزایش می‌دهد. موضوعی که در دو دهه اخیر در نظام بانکی ایران تشدیدشده و بخش عمده افزایش پایه پولی را رقم زده است. دومین روش پرداخت تسهیلات بدون داشتن منابع، فروش بخشی از دارایی‌های بانک در بازار سرمایه یا اوراق بهادارسازی دارایی‌هاست. این موضوع در ایران رایج نبوده ولی در

---

[۱] ***گزیده آمارهای پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران***، ۱۴۰۰

[2] Businessman

[۳] ***نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران***، شماره ۱۰۳، ۱۴۰۰

[4] Fractional Reserve Banking

[۵] سیدمهدی حسینی دولت‌آبادی، ***ماهیت بانک و دلالت‌های آن برای مطالعات بانکداری اسلامی***، دو فصل‌نامه مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱۳۹۵.

کشورهایی که بازار مالی توسعه‌یافته‌ای دارند، انجام می‌شود. این روش خلق پول در بانک‌های ایالات متحده آمریکا در سال‌های ۷-۲۰۰۱ برای تأمین مالی مسکن به‌شدت افزایش یافت و بحران مالی سال ۲۰۰۸ را به وجود آورد. بنابراین، برای داشتن نظام بانکی کارآمد، توجه به جنبه‌های مختلف ماهیت بانکداری و کنترل‌های لازم برای حفظ تعادل در اقتصاد ضروری است. این موضوع باعث می‌شود در عملکرد نظام بانکی بدون ربا بر مبنای عقلانیت و اخلاق، به موضوع اجتناب از خلق پول به‌صورت تصنعی توجه بیشتری شود.

- **سپرده قانونی:** براساس ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا (مصوب ۱۳۶۲)، بانک به‌عنوان وکیل سپرده‌گذاران مدت‌دار، بایستی مبالغ موکلین خود را در قالب عقود اسلامی، تسهیلات پرداخت کرده و سود کسب کند. این موضوع بدون توجه به سپرده قانونی مطرح‌شده و اگر بانک را به‌عنوان متولی یا شریک در سرمایه‌گذاری (عقود مشارکتی) یا طرف معامله (عقود مبادله‌ای) در نظر بگیریم، دلیلی برای اخذ سپرده قانونی وجود ندارد. به بیان دیگر، زمانی که یک شخص به‌عنوان وکیل حقوقی (بانک) از یک سری افراد (سپرده‌گذاران)، مبالغی را اخذ می‌کند تا در قالب عقود مشارکتی در بخش‌های مختلف اقتصادی سرمایه‌گذاری و سود کسب کند تا براساس سهم هر یک از موکلین از سرمایه‌گذاری انجام شده، سود توزیع کند، بایستی یک سپرده قانونی هم بابت این کار به بانک مرکزی ارائه کند. این موضوع درخصوص شرکت‌های تأمین سرمایه که از سال ۱۳۸۹ پا به عرصه وجود گذاشتند و در قالب صکوک یا صندوق‌های سرمایه‌گذاری اقدام به جذب منابع کردند، کاملاً روشن است. آیا بانی (وکیل سرمایه‌گذاران خرد)، در این مکانیزم مکلف به پرداخت سپرده قانونی است؟
- **مالیات:** نکته دیگری که در نظام بانکی وجود دارد، تفاوت نگاه در اخذ مالیات است. اگر بانک به‌عنوان شریک در قالب عقود مشارکتی وارد سرمایه‌گذاری می‌شود یا در قالب تاجر در عقود مبادله‌ای به خرید و فروش می‌پردازد یا در قالب پیمان‌کار در عقد جعاله، کار انجام می‌دهد، باید مالیات آن را در اقتصاد حقیقی پرداخت کند؛ اما براساس ضوابط و مقررات جاری، بانک‌ها در انجام‌دادن معاملات و عملیات در قالب عقود اسلامی از پرداخت مالیات معاف هستند. این موضوع بیان‌کننده این واقعیت است که قانون‌گذار، ماهیت بانک بدون ربا را به‌خوبی درک نکرده یا اعتقاد دارد که برای انجام دادن امور و قفل نشدن کارها، ضمن حفظ شکل بانکداری موجود (بدون ربا)، از طرق مختلف، ماهیت آن به بانک متعارف نزدیک شود تا مردم و بازار کسب و کار از آن ناراضی نبوده و سازگاری داشته باشند.

- **تنزیل مجدد:** نرخ بهره رسمی در هر کشور با نرخ تنزیل مجدد اعلام‌شده از طرف بانک مرکزی تعیین‌شده و با این نرخ، سیاست پولی اجرایی می‌شود. ماهیت بانک متعارف و یکی از روش‌های رایج برای ایجاد تعادل در بازار پول، مکانیزم نرخ بهره (تنزیل مجدد) است. آیا در قانون عملیات بانکی بدون ربا به ماهیت ایجاد تعادل در بازار پول و نظام اقتصادی توجه شده است؟ بدون توجه به ابزارهای کنترلی و تعادلی در یک سیستم (نظام)، اجرایی‌کردن آن در مرحله عمل می‌تواند لطمات جبران‌ناپذیری به‌سایر سیستم‌ها وارد سازد. بدیهی است در نظام مالی بانک محور، موضوع فقدان مکانیسم تعادلی، حساسیت بیشتری دارد.[۱]

عدم استنباط بانک از قانون عملیات بانکی بدون ربا

بانک به‌عنوان یک نظام، دارای عناصر به‌هم پیوسته و هماهنگی است که مانند حلقه‌های زنجیر عمل می‌کنند و اگر یک حلقه در حکمرانی نظام بانکداری غایب باشد، بانکداری محکوم به شکست است. تدوین‌کنندگان قانون عملیات بانکی بدون ربا به دلیل عدم درک ماهیت بانکداری متعارف، عدم اشراف به مبانی کفایت سرمایه، بیگانه‌بودن با مفهوم بانک با مسئولیت محدود، عدم گسترش مبانی حاکمیت شرکتی و عدم تعریف جایگاه بانک در بین سایر نهادهای مالی در کشور، تنها به ارائه یک الگو برای یک نوع نهاد مالی اقدام‌کرده و بانک از این قانون مستفاد نمی‌شود.[۲]

عدم استنباط ربا از عملیات بانکداری متعارف

نکته کلیدی دیگر این‌که با دقیق‌شدن به نحوه عملکرد این نظام در ارتباط با بانک و مشتری، بانکداری متعارف نیز ربوی عمل نمی‌کند و با وجود مصطلح‌شدن قرض در این نوع بانکداری که دلیل آن روند تاریخی بانکداری و متعارف‌شدن این واژه در بانکداری است، ماهیت عملکرد آن غیرربوی است. به بیان دیگر، با توجه به نوع شرکت حقوقی بانک که با مسئولیت محدود است، اخذ سپرده از مردم به‌منزله قرض نیست. در قرارداد قرض، قرض‌گیرنده در برابر مبلغ قرض و قرارداد، مسئول است که اصل مبلغ را بدون توجه به این‌که مبلغ مربوط از بین رفته است، زیان‌ده شده،

---

[۱] رامین پاشایی‌فام و اکبر کشاورزیان پیوست، ***سیاست‌های پولی (ابزاری-نهادی) متناسب با طرح تحول اقتصادی***، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، بیست‌ویکمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، ۱۳۹۰.

[۲] پویا ناظران، برنامه عمل نجات سیستم بانکی کشور، ***بیست و هشتمین همایش بانکداری اسلامی***، تهران: مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶.

سرقت شده و ...، بازپرداخت کند. حال اگر مبلغ اضافی نیز شرط شود، ربا مطرح می‌شود؛ اما در نظام بانکداری متعارف، قرض‌گیرنده، تعهد و تضمین کامل برای بازپرداخت اصل قرض را نیز ندارد، به دلیل این‌که بانک دارای مسئولیت محدود[1] بوده و به اندازه دارایی‌هایش (به‌عنوان شرکت حقوقی) مسئول است و این موضوع را قرض‌دهنده نیز می‌داند؛ یعنی این‌که اضافه مشروط در قرارداد قرض که از ارکان تحقق رباست، در بانکداری متعارف وجود ندارد.

بنابراین، با وجود استفاده از واژه قرض (به‌دلیل مصطلح شدن)، ارکان قرض اتفاق نمی‌افتد و قرارداد مشارکت یا مشارکت اولویت‌دار بین بانک و مشتری در بانکداری متعارف حاکم است. این موضوع در طول تاریخ بانکداری متعارف و با ورشکست‌شدن بانک‌ها و عدم دستیابی مشتریان به منابع خود، بارها تجربه شده است. موضوعی که در نظام بانکداری بدون ربای ایران تا به حال تجربه نشده و همه سپرده‌گذاران به منابع خود، حتی به سودهای مورد نظر در دوره‌ای که بانک زیان‌ده است، می‌رسند و هیچ‌گونه ریسکی وجود ندارد.[2]

اصل ترجیح زمانی مصرف

برای روشن شدن موضوع، ابتدا مبانی اجمالی ارزش ترجیح زمانی مصرف مرور می‌شود تا مقایسه انجام‌شده با بانکداری بدون ربا بهتر تبیین شود. اندیشمندان و اقتصاددانان غربی، استدلال‌ها و دلایل زیادی برای توضیح مشروعیت، عقلانیت و معتبردانستن بهره (به غیر از اهمیت انباشت سرمایه در رشد و توسعه اقتصادی) ارائه کرده‌اند که مهمترین آن‌ها ترجیح زمانی مصرف است. از نظر بوم باوِرک، بهره، تعیین‌کننده‌های واقعی و قابل‌دفاعی (ذهنی و عینی) دارد. ترجیح زمانی افراد و این‌که آن‌ها آینده را در برابر حال، در مقیاس تقلیل‌یافته می‌نگرند، می‌تواند مولد بهره باشد. فردی که ترجیح زمانی دارد، مصرف حال را بر مصرف آینده ترجیح می‌دهد. بنابراین، چنانکه بخواهد از مصرف حال برای تجهیز مصرف آینده بگذرد، برای این کار پاداش می‌خواهد و برعکسِ کسی که می‌خواهد مصرف حال داشته و از پس‌انداز (مصرف آینده)، در حال حاضر استفاده کند، بایستی هزینه (بهره) آن را پرداخت کند. در نتیجه، بهره، پاداش گذشت از مصرف حال است و دلایل گوناگونی وجود دارد که افراد، حال را به آینده ترجیح می‌دهند.

---

[1] Limited Liability

[2] پویا ناظران، ***برنامه عمل نجات سیستم بانکی کشور***، بیست و هشتمین همایش بانکداری اسلامی، تهران: مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶.

ایروینگ فیشر، دیگر اقتصاددان سرمایه‌داری، اعتقاد دارد که افراد ذاتاً بی‌صبر هستند و از این رو، بهره پاداش صبر آن‌ها است. از نظر وی شدت بی‌صبری افراد تعیین‌کننده درجه بهره است. فون مایزِز بنیان‌گذار مکتب اتریشی، باور دارد که ترجیح زمانی جزء ذاتی رفتار انسانی است و سلیقه انسان بر مبنای آن تعریف می‌شود. بنابراین، ما نمی‌توانیم بر سر سلیقه‌های خود جدال کنیم. اگر ترجیح زمانی نباشد، مصرف را نمی‌توان توضیح داد. ساموئلسِن اعتقاد دارد که روش‌های تولیدی بلندمدت‌تر نسبت به روش‌های تولیدی کوتاه‌مدت‌تر، مولدتر هستند، اما متضمن انتظار بیشتر نیز هستند. از این رو، باید بهره پرداخت شود تا افراد منتظر بمانند. البته بر این نظریه مسلط در غرب، انتقاداتی نیز مطرح‌شده و برخی اقتصاددان‌ها نرخ بهره صفر را باعث افزایش کارایی در اقتصاد معرفی می‌کنند.[۱] حال، سؤال اساسی این است: اقتصاد اسلامی و بانکداری بدون ربا در مورد ترجیح زمانی مصرف، چه نظری دارد؟

ترجیح زمانی مصرف و نحوه عملیات بانکداری بدون ربا

تفاوت قیمت نقد و نسیه کالاها در بازار کسب و کار از نظر فقهای شیعه و سنی مورد پذیرش بوده و در طول تاریخ در بازار مسلمانان مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.[۲] توجیه عقلانی غرب برای پذیرش بهره، ترجیح زمانی مصرف است. حال اگر ترجیح زمانی مصرف را بانکداری بدون ربا نیز بپذیرد، مبنای مشترکی در این زمینه با تمرکز بر عقلانیت به وجود می‌آید که می‌توان از آن در نظام بانکداری ایران استفاده کرد. بررسی معاملات اسلامی در سمت دارایی‌های بانک بدون ربا در ایران (۱۳۹۹) نشان می‌دهد که ۷۱ درصد از تسهیلات پرداختی در قالب عقود مبادله‌ای پرداخت می‌شود.[۳] از ویژگی‌های مهم عقود مبادله‌ای، نرخ سود ثابت، انتقال مالکیت، رابطه داین و مدیون بین بانک و مشتری و مطالبه طلب در سررسید توسط بانک بدون توجه به سرنوشت کالای فروخته شده و... است که دقیقاً با ویژگی وام‌های پرداختی در بانکداری متعارف منطبق است.

---

[۱] رسول بخشی دستجردی، ***بررسی تطبیقی نظریه نرخ بهره صفر با نظریه تحریم ربا در اسلام***، فصل‌نامه اقتصاد اسلامی، شماره ۳۸، ۱۳۸۹.

[۲] یحیی عبدالرحمن، ***هنر بانکداری و تأمین مالی اسلامی***، ترجمه سیدمحمدرضا امیری طهرانی، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۸.

[۳] ***گزیده آمارهای پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران***، ۱۴۰۰.

تمرکز بر مصرف به‌عنوان اقتصاد واقعی

نکته مهم دیگر درخصوص کلمه «مصرف»، در ترجیح زمانی است. تقریباً همه عقود مبادله‌ای انجام‌شده در نظام بانکی با هدف تملیک و مصرف انجام می‌شود. اگرچه نوع کالا ممکن است واسطه‌ای و سرمایه‌ای هم باشد، ولی برای خریدار آن، جنبه مصرف و استفاده از ویژگی‌های آن را دارد. کسانی که صبر بالایی دارند و مصرف خود را به آینده موکول می‌کنند، پاداش آن را دریافت می‌کنند و برعکس کسانی که می‌خواهند در زمان حال، مصرف بالایی داشته باشند و مطلوبیت بالایی ببرند، ملزم به پرداخت هزینه هستند. درست همان روال و منطقی که در بانکداری متعارف حاکم است و متفکران و آحاد مردم در کشورهای غربی و اقتصاد کلاسیک این موضوع را پذیرفته و آن را اخلاقی نیز قلمداد می‌کنند.

به‌نظر می‌رسد؛ بهره‌گیری از این موضوع کلیدی به‌صورت ریشه‌ای و اصیل به‌عنوان یکی از اصول بانکداری بدون ربا (همچنان که بانکداری اسلامی در عقود مبادله‌ای آن را پذیرفته است)، می‌تواند چالش‌های فعلی نظام بانکی را در خصوص انجام‌دادن عملیات پیچیده برای رسیدن به یک موضوع واحد (ترجیح زمانی مصرف)، مرتفع سازد. با این رویکرد، نظام بانکی به‌جای ریزشدن به یک کالا و خدمت و مبنا قراردادن ترجیح زمانی برای اخذ سود (قیمت نقد و نسیه یک کالا)، دیدگاه خود را به مجموعه‌ای از کالاها و خدمات تسری داد و اعلام کرد که چون مشتریان بانک، مبالغ تسهیلات را برای مصرف در زمان حال (برای اختصاص بی‌نیازهای مصرفی مختلف) دریافت می‌کنند، هزینه برخورداری از این مطلوبیت (مصرف زودتر)، به افرادی که پس‌انداز می‌کنند و از مطلوبیت خود در زمان حال می‌گذرند (مصرف خود را به آینده موکول می‌کنند)، پرداخت می‌شود و بانک در این عرصه، کار واسطه‌گری مالی را انجام می‌دهد.

پذیرش جنبه مصرفی کارت اعتباری توسط بانک مرکزی

این موضوع با یک شیوه دیگر، در کارت اعتباری بر مبنای عقد مرابحه (تسهیلات خرد) از اوایل دهه ۱۳۹۰ در نظام بانکی کشور اتفاق‌افتاده و مورد استقبال مردم نیز قرار گرفته است. مردم با کارت اعتباری می‌توانند نسبت به خرید هرگونه کالا و خدمتی اقدام و اصل و سود تسهیلات را به‌صورت اقساطی پرداخت کنند. در این فرایند، بانک به مشتری خود وکالت می‌دهد که از طرف بانک خرید نقد کند و سپس بانک آن کالای خریداری‌شده (خرید نیابتی یا وکالتی) را به‌صورت نسیه اقساطی به مشتری می‌فروشد.

با توجه به این‌که مشتری قبل از اخذ کارت اعتباری، با بانک قرارداد مرابحه منعقدکرده، همه این عملیات در کشیدن کارت اعتباری مشتری به پایانه فروشِ فروشنده (همانند کارت بدهی) اتفاق می‌افتد. به عبارت روشن‌تر، نظام بانکی به مشتریان خود درخصوص مصرف تسهیلات اعطایی در اقتصاد واقعی اعتمادکرده و دلیل آن، مستندات صوری و بداخلاقی‌های انجام‌شده در نظام بانکی برای اخذ تسهیلات در بیش از سه دهه اجرای بانکداری بدون رباست. حال اگر بانک مرکزی، کارت اعتباری را برای سایر تسهیلات (غیر از تسهیلات خرد) تعریف کند، به جرئت می‌توان گفت که با این کارت تمام تسهیلات اعطایی نظام بانکی قابل پرداخت است.

تنها تفاوت عملکرد کارت اعتباری با شیوه پیشنهادی، روال پیچیده و غیرعقلانی و غیراخلاقی کارت اعتباری است که با پذیرش اصل ترجیح زمانی مصرف، از بین خواهد رفت. به بیان دیگر، مشتری و بانک در کارت اعتباری، استنباط مشترکی از تأمین مالی ندارند. با توجه به این‌که یکی از مهمترین اصول هر معامله‌ای، قصد و رضای طرفین است (و اگر این فرض محقق نشود، معامله باطل است)، در کارت اعتباری، قصد بانک خرید نقد و فروش نسیه است ولی قصد مشتری (با وجود انعقاد قرارداد)، به دلیل صوری‌بودن این معامله (در خوش‌بینانه‌ترین حالت که مشتری بداند از چه فرایندی به منابع مالی می‌رسد)، اخذ منابع از بانک برای مصرف است. بنابراین، برای ایجاد اطمینان در قراردادها و اخلاقی‌کردن امور تأمین مالی، کنار گذاشتن فرایندهای غیرعقلانی و غیراخلاقی الزامی است.

منع ربا و پذیرش ارزش زمانی دارایی

بررسی برخی از متفکرین مالیه اسلامی نشان می‌دهد که با وجود تحریم ربا در اسلام، ارزش زمانی پول در اسلام به‌عنوان یک اصل مهم، منطقی و اخلاقی برای حاکمیت عدالت در بازار مالی پذیرفته شده است و در نظام مالی اسلامی در دوران مختلف اقتصادی مورد استفاده قرار گرفته است. درکتاب بازارهای سرمایه اسلامی در مورد ارزش زمانی پول و منع ربا چنین آمده است[۱]:

«گرچه اسلام ربا را منع‌کرده، اما این به‌معنای عدم ارتباط میان مفهوم ارزش زمانی پول[۲] با مالیه اسلامی نیست. به‌عنوان یک مفهوم، ارزش زمانی پول کاربردهای بسیاری در مالیه متعارف دارد. از اصول ارزش زمانی پول برای ارزیابی جریان‌های نقدی، ارزش‌گذاری (میزان) سرمایه‌گذاری و

[۱] عبیدالله عصمت‌پاشا و عباس میرآخور، ***بازارهای سرمایه اسلامی، رویکرد مقایسه‌ای***، ترجمه عزیز احمدزاده و دیگران، تهران: مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران، ۱۳۹۴، ص‌ص. ۱۱۹-۱۲.

[2] TVM: Time Value of Money

تصمیم‌گیری مالی استفاده می‌شود. نرخ تنزیل مورد استفاده در محاسبه ارزش زمانی پول، بسیار بیشتر از نرخ بهره صرف است. به‌طور معمول، هزینه سرمایه است که شامل هزینه سهام، پاداش‌های انواع مختلف ریسک، هزینه فرصت و مواردی از این قبیل است. از آنجا که تمامی این عوامل حتی در نظام اسلامی بدون بهره نیز موضوعیت دارند، ارزش زمانی پول در مالیه اسلامی نامربوط نخواهد بود. علاوه بر این، گرچه قرآن دریافت و پرداخت بهره را ممنوع کرده است، انجام دادن مبادله با تأخیر[1] را مجاز دانسته است. قراردادهای سازگار با شریعت متعددی وجود دارند که افزودن حاشیه‌ای بر پرداخت‌های معوق را مجاز می‌دانند برای مثال، قراردادهای مرابحه، بیع بالثمن عاجل و بیع موجل. بسیاری از فقها استدلال می‌کنند که مضمون آیه ۲۷۵ سوره بقره آن است که گرچه وام دادن/ وام‌گرفتن مبتنی بر بهره ممنوع است، تأمین مالی از طریق ایجاد بدهی[2] مجاز است و در شریعت به رسمیت شناخته شده است. حاشیه سود[3] یا قیمت بالاتر برای فروش با تأخیر حداقل بر مبنای دو زمینه توجیه می‌شود. از آنجا که مالیه اسلامی بر مبنای دارایی واقعی است، افزایش قیمت بر فروش با تأخیر، فروشنده را در خصوص موارد زیر جبران می‌کند:

الف- منافع ناشی از انتفاع[4] یا استفاده از دارایی‌های پایه[5] توسط خریدار، گرچه [ثمن آن را] کاملاً پرداخت نکرده است؛

ب- استهلاک دارایی‌های واقعی به‌دلیل استفاده و گذشت زمان.

بنابراین، تنها این عادلانه است که خریدار، که پیش از پرداخت کامل ثمن از دارایی استفاده می‌کند، فروشنده را به ازای استهلاک ناشی از مصرف، جبران کند. هم‌راستا با این استدلال، برخی محققان در صدد استفاده از اصطلاح ارزش زمانی دارایی[6] در مقابل ارزش زمانی پول در مالیه اسلامی برآمده‌اند. صرف‌نظر از نام، ارتباط تکنیک‌های [محاسبه] ارزش زمانی پول و پایه‌های آن در مالیه اسلامی دقیقاً به‌همان اندازه موضوعیت دارد که در مالیه متعارف موضوعیت دارد».

---

[1] Deferred Basis
[2] Debt–Creating Financing
[3] Markup
[4] Usufruct
[5] Underlying Assets
[6] TVA: Time Value of Asset

عقود اسلامی

اسلام با تکیه بر عقلانیت، دین، تجربه و شهود، به اخلاق اجتماعی رسیده و آن را در قالب نهادهای مختلف از قبیل قانون به مرحله اجرا درمی‌آورد. در این قسمت به بررسی موضوع از منظر توجه به سازگاری با بازار کسب و کار پرداخته می‌شود.

کاربرد عقود اسلامی

عقود اسلامی مطرح شده در قانون عملیات بانکی بدون ربا در دوره تصویب قانون، تقریباً هیچ کاربردی در بازار کسب و کار بخش‌های مختلف اقتصادی کشور نداشت. برخی از این عقود در قانون مدنی تعریف‌شده ولی در قانون تجارت که با مباحث بازرگانی ارتباط نزدیکی دارد، عنوان نشده بود. مباحث جدیدی از قبیل انواع شرکت و کارکردهای آن در قانون تجارت مطرح‌شده و متولیان کسب و کار کشور در صورت نیاز به شرکت، از این چهارچوب استفاده می‌کردند. از منظر دیگر، عملیات نظام بانکی کشور در دوره قبل از انقلاب، مطابق با مبنای بانکداری متعارف بوده و در بخش اخذ سپرده‌های مردم، بدون این‌که از واژه قرارداد قرض استفاده شود، وجوه مردم نزد بانک با قرارداد متناسب با عقلانیت و عرف زمان استفاده می‌شد و به سپرده‌های مدت‌دار (بدون استفاده از کلمه قرض)، بهره پرداخت می‌شد. در بخش دارایی‌ها، اکثر تسهیلات پرداختی به بازار کسب و کار در قالب تنزیل اسناد بوده و برای رفع احتیاجات شخصی افراد، وام‌های بلندمدت پرداخت می‌شد. به نظر می‌رسد در آن دوره، با وجود حاکم بودن بانکداری متعارف در سیستم بانکی ایران، به‌دلیل حاکم بودن عقلانیت در امور بانکی، فقدان ظلم (فاحش)، منطقی بودن نرخ بهره طبیعی، قابل فهم بودن عملیات و قراردادهای حاکم، انتفاع کلیه ذی‌نفعان از بانکداری، نقش آن در رشد و توسعه کشور، عدم ورود بانک به امور کسب و کار مشتریان و حفظ شدن نقش واسطه‌گری مالی و ...، مردم درک و احساس ربوی بودن از نظام بانکی نداشتند. کما این‌که در همان دوره، مردم و اهالی کسب و کار از افرادی که در بازار، ربا با نرخ‌های بالا می‌دادند و به مردم ظلم می‌کردند، احساس خوبی نداشتند و اذهان مردم نسبت به آن‌ها کاملاً منفی و استنباط ربوی بودن داشتند. متأسفانه عملکرد بانک‌های بدون ربا در دوره بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، عملکرد این افراد را توجیه کرده و ذهنیت مردم نسبت به بانک‌ها بدتر شده و احساس ربوی دارند و در اذهان عمومی رباخواران کمتر در مظان اتهام هستند.[۱]

---

[۱] لازم است یادآوری شود که این موضوع براساس مطالعات میدانی، تجربه و مشاهدات محقق به‌دست آمده و محک تحقیق علمی به آن نخورده است. این موضوعات را می‌توان با مطالعه اسنادی و سایر روش‌های علمی مورد بررسی دقیق قرار داد.

تجربه تاریخی غرب در مورد قراردادهای بانکی

با توسعه صنعتی و نقش حیاتی سرمایه در رشد اقتصادی، دنیای غرب برای طفره رفتن از قانون ربا و تحریک سرمایه، به روش‌های متفاوتی روی آورده بود. با روش‌های ماهرانه‌ای، بهره را در وام‌های پرداختی، جریمه دیرکرد، تقلب در نرخ مبادله، اشکال مختلف رهن و ... پنهان می‌کرد که این موضوع کیفیت قراردادها را کاهش و هزینه مبادله را افزایش می‌داد. علت هزینه‌بر بودن قوانین مربوط به ربا فقط این نبود که این قوانین به پیچیدگی و دست و پاگیر شدن تحریر قراردادها منجر شده بود تا بهره در آن‌ها تغییر شکل یابد، بلکه بحث برانگیزی و نحوه اجرای این قراردادها نیز به افزایش هزینه‌ها می‌انجامید. به‌تدریج که قوانین رباخواری منسوخ شدند، افزایش نرخ‌های سود امکان‌پذیر شد و در نتیجه، هزینه عقد قراردادها و هزینه اجرای آن‌ها کاهش یافت.[۱]

کیفیت غیرعقلانی و غیراخلاقی قراردادها

پس از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا، نوبت به تدوین آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و فرایندهای آن رسید و بانک مرکزی مسئولیت یافت تا این کار را انجام دهد. بررسی‌های کارشناسی انجام‌شده نشان می‌دهد که به دلایل مختلف مانند محدودیت زمانی، آشنایی کمتر کارشناسان بانک مرکزی با مبانی فقهی و نظری قانون، محدودیت‌های ناشی از عدم تطابق ماهیتی این قانون با سایر قوانین مصوب نظیر قانون پولی و بانکی، عدم تطابق این قانون با عملکرد بانک‌ها و بازار کسب و کار، فقدان چهارچوب‌های لازم برای اطمینان از اجرایی شدن قراردادها و کنترل آن‌ها، فشار طرف تقاضا (مشتریان بانک‌ها) برای اخذ تسهیلات با هدف تداوم فعالیت‌های کسب و کار، تأکید بر اجرایی شدن این قانون با هر کیفیتی و ... باعث شد که آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و به‌ویژه قراردادهای حاکم بر روابط بانک و مشتری از ریل عقلانیت و اخلاق خارج شود. این اقدامات نه تنها باعث پویایی و به‌روز بودن قراردادها نشد، بلکه چهارچوب عقلانی و اخلاقی را که در دوره صدر اسلام به‌خوبی دیده شده بود، از بین برد و مشتریان بانک‌ها نیز با یک‌سری قراردادهای غیرعقلانی و کاملاً یک‌طرفه مواجه شدند. برخی از مواردی که به قراردادها اضافه شد و بر این اساس، روال‌ها و دستورالعمل‌های غیرعقلانی و غیراخلاقی را نهادینه کرد، به‌شرح زیر قابل تلخیص است.

---

[۱] داگلاس نورث، ***نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی***، ترجمه محمدرضا معینی، تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷، ص. ۱۹۶.

تناقض در ماهیت عرضه و تقاضای خدمات بانکی

مشتریان بانک به‌ویژه در بخش اعتباری، تقاضای تأمین مالی از طرف بانک یا به بیان دیگر، درخواست اخذ پول (وام) از بانک داشتند/ دارند. ولی بانک براساس آیین‌نامه‌ها و قراردادهای اعتباری، در انجام دادن امور مشارکتی و مبادله‌ای برای خود دنبال شریک یا طرف معامله بود/ است. با توجه به این‌که در بازار مالی بانک‌محور ایران، تنها روش تأمین مالی به‌طور انحصاری بانک‌ها بودند/ هستند، مشتریان بدون این‌که انگیزه یا خواست یا اراده‌ای در خصوص مشارکت یا معامله با بانک داشته باشند، با هدف رسیدن به تسهیلات (پول)، قراردادهای اعتباری را امضا می‌کردند/ می‌کنند. (بدون این‌که به آن‌ها اعتقاد داشته و در عمل به مفاد آن پایبند باشند.) اکثر مشتریان نیز اصلاً مفاد این عقود را مطالعه نمی‌کردند/ نمی‌کنند. تناقض مطرح‌شده به‌عنوان یک بحث ریشه‌ای، باعث انحراف و صوری‌شدن قراردادها و شکلی شدن اخذ مستندات طی فرایندهای بانکی از طرف مشتری می‌شد/ می‌شود. این مشکل در مفاد آیین‌نامه‌ها و قراردادها در حال حاضر نیز وجود داشته و با ورود بانک‌های خصوصی به عرصه رقابت در بازار پول بیشتر شده است. تجربه عملکرد چهار دهه نظام بانکی نشان می‌دهد که در عمل، مشتریان از بانک، پول (وام) اخذ می‌کنند و بانک (به‌ویژه بانک‌های خصوصی) به مشتریان پول (وام) پرداخت می‌کند. ولی مسیر اخذ وام به‌جای این‌که قرارداد بانک‌های متعارف (تنزیل یا قرارداد منحصربه‌فرد پرداخت وام) باشد، قراردادهای عقود اسلامی است. با اعمال نرخ سود ثابت در قراردادهای مشارکتی و مبادله‌ای (فقدان معامله واقعی) که تقریباً در اکثر بانک‌های کشور عمل می‌شود، تناقض در عرضه خدمات بانکی در قالب عقود اسلامی و تقاضای پول از طرف مشتریان مشهود بوده و گذشت زمان نیز این موضوع را مرتفع نکرده است.

لازم کردن عقود مشارکتی

عقود مشارکتی با عقلانیت بازاری، عقودی جایز هستند و طرفین (شرکا) می‌توانند در هر مقطعی به‌صورت یک‌طرفه، مشارکت را به هم‌زده و نسبت به تسویه‌حساب و خاتمه مشارکت اقدام کنند. این یکی از اصول عقلانی و فقهی مهم در مشارکت است و نشان می‌دهد که شرکا در صورت‌نداشتن تفاهم یا سایر مشکلات کاری و فردی، مجبور نیستند یکدیگر را تحمل‌کرده یا در امور شراکت اختلالی ایجاد کنند. بر این اساس، هر یک از شرکا می‌تواند نسبت به خروج از مشارکت اقدام کند. (این موضوع در شرکت‌های مندرج در قانون تجارت نیز حاکم است.) اما به‌دلیل این‌که بانک در واقع وارد شراکت واقعی با مشتری خود نمی‌شود و فقط تأمین‌کننده مالی (وام‌دهنده) و مشتری، همه امور

مشارکت را بر عهده دارد و با خروج وی از مشارکت، بانک توان انجام دادن هیچ‌گونه کاری را برای تحقق مشارکت ندارد، بانک‌ها قراردادهای مشارکتی را با یک عقد خارج لازمی، به عقد لازم تبدیل می‌کنند. این کار نه‌تنها عقلانی نیست، بلکه اخلاقی هم نیست.

تضمین اصل سرمایه در عقود مشارکتی

براساس عقلانیت حاکم بر مشارکت که بانک را وارد مرحله عملیات و قرار گرفتن در ریسک‌های حاکم بر شراکت می‌کند، منطق حکم می‌کند که شرکا (از جمله بانک) نسبت به سهم و آورده خود مسئول باشند و همچنان که در منافع، شریک هستند، در زیان‌های وارده نیز شریک باشند و فقه نیز کاملاً با این موضوع، به دلیل عقلانی و اخلاقی‌بودن، موافق است؛ اما برخی از فقها (مشهور) اعتقاد دارند که شریک می‌تواند اصل سرمایه شریک دیگر را تضمین کند. نظام بانکی به‌دلیل اصرار بر عملیاتی‌کردن عقود مشارکتی، این موضوع را به کلیه قراردادهای مشارکتی تعمیم می‌دهد. فارغ از اینکه شریک نسبت به تضمین سهم شریک رضایت دارد یا نه، مشتری برای رسیدن به منابع محدود بانک، مجبور است این قرارداد تیپ (با فرم یکسان) را امضا کند. این موضوع غیرعقلانی و (به‌ویژه) غیراخلاقی است –به دلیل نادیده‌گرفتن نظر مشتری، ظلم به مشتری در صورت زیان‌دیده‌شدن خارج از اختیارات شریک، ظلم به بانک و خیانت در امانت به موکلین بانک در صورت عدم اخذ سود واقعی بالاتر (محقق شده) از سود مصوب و ...– که ریشه در مقررات و قراردادهای (عقود) اسلامی دارد.

اخذ وثایق و تضامین در عقود مشارکتی

نکته غیرعقلانی و اخلاقی در عقود مشارکتی، اخذ تضامین و وثایق از شریک (مشتری) است. اگر بانک به‌عنوان شریک با مشتری مشارکت می‌کند، دلیل منطقی برای اخذ تضمین و وثیقه وجود ندارد. بانک در تمام قراردادهای مشارکتی، همانند بانکداری متعارف، نسبت به اخذ وثایق و تضامین اقدام می‌کند. این اقدام بانک، فقدان روح مشارکت و صوری بودن عملیات را نمایان می‌سازد.

وجه‌التزام یا خسارت تأخیر در عقود مشارکتی

بانک به‌عنوان شریک با یک مشتری (شریک) وارد یک قرارداد مشارکت می‌شود تا به‌صورت مشترک، موضوع مشارکتی را محقق سازند؛ اما در این قرارداد، برای شریک در صورت عدم تسویه تسهیلات در سررسید معین، وجه التزامی درج شده و از شریک اخذ می‌شود. خاستگاه این موضوع در

بانکداری متعارف بوده و بدیهی است اگر قرارداد مشارکت حاکم باشد، طرفین با تعامل با همدیگر یا موضوع مشارکت را می‌فروشند و نسبت به تقسیم سود (حسب سهم سرمایه) اقدام می‌کنند، یا شریک موضوع مشارکت را از بانک خریداری می‌کند و سهم اصل و سود بانک را (بعد از مشخص شدن قیمت موضوع مشارکت) پرداخت می‌کند، یا تحقق موضوع مشارکت به دلایل مختلف در تاریخ معین (سررسید) انجام نشده و با تأخیر انجام می‌شود که شرکا (از جمله بانک) باید خسارت این تأخیر را بپذیرند یا موضوع مشارکت محقق شده ولی با تأخیر زمانی در بازار به فروش می‌رود که طبیعتاً شرکا (بانک و مشتری) آن را می‌پذیرند. بنابراین، با مشخص‌شدن خسارت تأخیر در قرارداد مشارکت برای مشتری (شریک) که در بانکداری متعارف جزء الزامات قرارداد بانکی قلمداد می‌شود، ماهیت قرارداد به‌عنوان مشارکت زیر سؤال بوده و از جنبه حقوقی و قانونی، بنای طرفین در عمل مشارکت نبوده و هدف از مشارکت، در واقع تأمین مالی یا پرداخت وام است.

فقدان معامله واقعی در عقود مبادله‌ای

تمرکز عقود مبادله‌ای بر فروش نسیه (بالاتر از قیمت روز)، خرید سلف (کمتر از قیمت روز)، خرید دین (کمتر از قیمت اسمی) و جعاله (انجام‌دادن کار پیمانی بیشتر از قیمت روز)، به‌منزله ورود بانک به‌عنوان تاجر برای انجام دادن معاملات در بخش‌های مختلف اقتصادی است؛ اما برای اینکه نظام بانکی از ساختارها، فرایندها و نهادهای فکری نظام بانکداری متعارف تبعیت کند، آیین‌نامه‌ها و قراردادهای مبادله‌ای به‌نحوی تدوین شد که در آن‌ها مسئولیت و رسالت بانک، تنها پرداخت پول است و به‌صورت واقعی با هیچ‌یک از ریسک‌های حاکم بر معاملات کاری ندارد. بنابراین، در عقد مرابحه، بانک طرف معامله را به‌عنوان وکیل خود انتخاب می‌کند که کالا و خدمات را از طرف بانک خریداری کند. در عقد سلف، بانک فروشنده را وکیل خود انتخاب می‌کند تا پس از تحویل کالا به بانک (به‌صورت ثبت حسابداری نه واقعی)، نسبت به فروش آن اقدام و تسهیلات سلف را تسویه کند. بانک در عقد خرید دین، تنها به واقعی بودن دین تأکید دارد و ریسک‌های مرتبط با خریدار دین را نمی‌پذیرد. در عقد جعاله، بانک به کارفرما (مشتری) وکالت می‌دهد که از طرف بانک (پیمانکار)، پیمانکار دیگری انتخاب و نسبت به پرداخت اجرت (جُعل) آن به‌صورت نقد و تسویه آن با بانک به‌صورت نسیه اقدام کند. به بیان دیگر، در واقعیت امر، بانک تنها تأمین‌کننده و پرداخت‌کننده پول (بدون پذیرش هیچ‌گونه ریسک عملیات تجاری)، در قبال اخذ سود است.

تغییر رویکرد از عقود به قراردادهای نوین عقلانی و اخلاقی

در بانکداری بر مبنای عقلانیت و اخلاق، اصرار بر بهره‌برداری از عقود با هر قیمتی از قبیل صوری شدن، شبهات ربوی‌داشتن، فقدان منطق سودگیری، اخذ مبالغ بالاتر در تأخیر سررسید و ... مطمح نظر نبوده و به‌دنبال بهره‌گیری از دانش و تجربه بشر در زمینه اجرای قرادادهای کارآمد است. انقلاب صنعتی و تحولات تکنولوژیک، به‌ویژه نیازهای سرمایه برای بخش تولیدی در کشورهای توسعه‌یافته، باعث به‌وجودآمدن مبانی مستحکم و قابل دفاعِ شرکت در انواع مختلف، شده و قانون تجارت ایران نیز آن را پذیرفته است.

در عرصه بانکداری می‌توان از این مبانی که اتفاقاً به دلیل شناسایی دقیق سود و چهارچوب قانونی مستحکم مطابق اقتصاد حقیقی و به اسلام (اصول عقلانی، وحیانی و اخلاقی) نزدیکتر است، استفاده کرد. سایر قراردادهایی که در دنیای سرمایه‌داری و بر اساس اقتصاد حقیقی حاکم است و ذی‌نفعان بر اساس کار و تلاش و سرمایه خود سهم‌بَری دارند، می‌تواند در بانکداری کشور با ملحوظ کردن قواعد و اصول فقه معاملات، استفاده شود.

جمع‌بندی و معرفی اصول موضوعه

با توجه به مباحث انجام شده در بخش‌های مختلف مقاله و بازخورد اخذ شده از قانون‌گذاری، اجرا و نظارت در چهار دهه تجربه عملی قانون عملیات بانکی بدون ربا، چنانچه اصول موضوعه زیر در اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا پذیرفته‌شده و بر مبنای آن، قانون، فرایندها و ساختار نظام بانکی تدوین شود، کارایی نظام پولی و بانکی کشور در حمایت از بخش حقیقی افزایش یافته و چالش‌های نظام بانکی کاهش خواهد یافت.

- تحقق بانکداری بدون ربا مستلزم نظام‌سازی در سطح محلی، ملی و بین‌المللی است.
- بهره (طبیعی) با ربا متفاوت است و با توجه به نرخ تورم، ارزش زمانی دارایی و کارمزد تعیین می‌شود.
- روح شریعت با نظام مالی و بانکی سالم و کارآمد سازگاری دارد.
- رابطه حقوقی بانک و مشتری در بانکداری متعارف، قرارداد قرض نیست.
- یکی از معیارهای اصلی بانکداری بدون ربا، تأکید بر پیوند اقتصاد حقیقی و مالی است.
- قراردادهای بانکی بر مبنای عقلانیت و اخلاق، کارایی بیشتری در بانکداری بدون ربا دارد.

منابع و مآخذ

۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.« ***نماگرهای اقتصادی***». شماره‌های مختلف.

۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. ***«لایحه «قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران».*** ۱۳۹۵.

۳- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.« ***لایحه قانون بانکداری***». ۱۳۹۵.

۴- بخشی دستجردی، رسول. «بررسی تطبیقی نظریه نرخ بهره صفر با نظریه تحریم ربا در اسلام». ***فصل‌نامه اقتصاد اسلامی***، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۸۹.

۵- پاشایی‌فام، رامین؛ کشاورزیان پیوست، اکبر. ***«سیاست‌های پولی (ابزاری-نهادی) متناسب با طرح تحول اقتصادی»***. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، بیست‌ویکمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، ۱۳۹۰.

۶- حسینی دولت‌آبادی، سیدمهدی. «ماهیت بانک و دلالت‌های آن برای مطالعات بانکداری اسلامی». ***دو فصل‌نامه مطالعات اقتصاد اسلامی***، بهار و تابستان ۱۳۹۵.

۷- خورسندیان، علی؛ و همکاران. «ارائه الگویی برای بانکداری اخلاقی». ***فصل‌نامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی***، سال ۲۲، شماره ۷۱، ۱۳۹۳.

۸- دادگر، یداله؛ هادوی‌نیا، اصغر. «مطالعه تطبیقی عقلانیت اسلامی با رویکرد شناختی». ***فصل‌نامه اقتصاد اسلامی***، شماره ۴۷، ۱۳۹۱.

۹- دادگر، یداله؛ کشاورزیان پیوست، اکبر. «امکان‌سنجی مدل‌سازی بانکداری بدون ربا بر پایه تئوری عقلانیت میانه مالی». ***فصل‌نامه اقتصاد و بانکداری اسلامی***، شماره ۱۶، ۱۳۹۵.

۱۰- دادگر، یداله. ***«درآمدی بر روش‌شناسی علم اقتصاد»***. چاپ سوم. تهران: نشر نی، ۱۳۸۶.

۱۱- دادگر، یداله. ***«مقدمه‌ای در: آموزه‌های اقتصادی و مالی اسلام»***. تهران: نشر آماره، ۱۳۹۳.

۱۲- دادگر، یداله؛ الهی، ناصر؛ کشاورزیان پیوست، اکبر. «عقلانیت و اخلاق نقطه کانونی تعامل بانکداری ایران با بانکداری بین‌الملل». ***فصل‌نامه پژوهشنامه اقتصادی***، شماره ۶۷، زمستان ۱۳۹۶.

۱۳- دانش، سیدحسینعلی. «بررسی مقایسه‌ای وجوه مشابهت عقلانیت در اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی با تأکید بر رفتار مصرف‌کننده». ***پایان‌نامه دکتری***. پژوهشکده علوم اجتماعی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.

۱۴- عبدالرحمن، یحیی. ***«هنر بانکداری و تأمین مالی اسلامی»***. ترجمه سیدمحمدرضا امیری طهرانی. تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۹۴.

۱۵- عصمت‌پاشا، عبیدالله؛ میرآخور، عباس. ***«بازارهای سرمایه اسلامی، رویکرد مقایسه‌ای»***. ترجمه عزیز احمدزاده، بهاره عریانی و محسن معظمی گودرزی. تهران: مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران، ۱۳۹۴.

۱۶- عیوضلو، حسین؛ قلیچ، وهاب. ***«بانکداری اخلاق با رویکرد اسلامی -ضوابط اخلاقی و تدابیر ساختاری»***، ۱۳۹۳.

۱۷- عبدالغفور. «بانکداری بدون ربا ممکن است، ولی بدون هزینه ممکن نیست». ترجمه سیدحسین علوی لنگرودی. ***ماهنامه بانک و اقتصاد.*** شماره ۶۱، شهریور ۱۳۸۴.

۱۸- فرزین‌وش، اسداله؛ نَدری، کامران. «ربا، بهره قراردادی و بهره طبیعی (نقد مفهوم بهره در نظریات اقتصادی متفکران مسلمان)». ***مجله تحقیقات اقتصادی***، شماره ۶۰، بهار و تابستان ۱۳۸۱.

۱۹- کشاورزیان پیوست، اکبر. «پیش‌فرض‌های عقلانی و اخلاقی برای اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا». روزنامه ***دنیای اقتصاد***، ۱۴۰۰/۰۳/۰۹.

۲۰- کشاورزیان پیوست، اکبر. ***«تأمین مالی در عملیات بانکی بدون ربا»***. چاپ چهارم. ۱۴۰۰.

۲۱- کشاورزیان پیوست، اکبر. «طراحی بانکداری بدون ربا بر مبنای عقلانیت و اخلاق». ***پایان‌نامه دکتری***. دانشگاه مفید، ۱۳۹۶.

۲۲- ماتیوس، کنت؛ تامپسون، جان. ***«اقتصاد بانکداری»***. ترجمه علی سرزعیم. تهران: آریانا قلم، ۱۳۹۲.

۲۳- متوسلی، محمود؛ آقابابایی، رضا. «آسیب‌شناسی نظام بانکی ایران از منظر نهادگرایی». ***مجله تحقیقات اقتصادی***، شماره ۷۲، ۱۳۸۵.

۲۴- موسویان، سیدعباس. ***«ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)»***. چاپ سوم. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹.

۲۵- میشکین، فردریک اس. ***«اقتصاد پول، بانکداری و بازارهای مالی»***. ترجمه احمد شعبانی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰.

۲۶- ناظران، پویا. «***برنامه عمل نجات سیستم بانکی کشور***». تهران: مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بیست‌وهشتمین همایش بانکداری اسلامی، ۱۳۹۶.

۲۷- نظرپور، محمدنقی؛ کشاورزیان پیوست، اکبر. «نقش منابع تملیکی (آزاد) در تأمین مالی و وصول مطالبات غیرجاری نظام بانکی». ***فصل‌نامه اقتصاد اسلامی***، زمستان ۱۳۹۵.

۲۸- نورث، داگلاس. «***نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی***». ترجمه محمدرضا معینی. تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷.

۲۹- هادوی‌نیا، علی‌اصغر. «تحلیل اقتصاد اسلامی با رویکرد شناختی (با تأکید بر عقلانیت)». ***پایان‌نامه دکترا***. دانشگاه مفید، ۱۳۹۱.

۳۰- یوسفی، محمدرضا. «امکان اجرای تدریجی شریعت، بررسی موردی در ادبیات اقتصاد اسلامی». ***فصل‌نامه اقتصاد اسلامی***، شماره ۳۰، تابستان ۱۳۸۷.